

فهرست مندرجات

۲	• مقدمه
۳	۱. فصل اول : قوانین بین المللی
۴	• اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین
۵	• قوانین استاندارد برابر سازی فرصتها برای معلولین
۲۳	• اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۷	۲. فصل دوم : چگونگی حقوق معلولین در دیگر نقاط دنیا
۲۸	• ایالات متحده آمریکا
۳۲	• واتیکان
۳۲	• ژاپن
۳۴	• ترکیه
۳۵	• مصر
۳۷	• اروپا
۴۰	نگاهی به گزارش جدید سازمان جهانی کار در مورد وضعیت اشتغال معلولان در جهان
۴۳	منابع و مواخذ

## مقدمه :

کم و بیش با حقوق معلولان در کشور عزیزمان آشنا هستیم . قوانینی که در خصوص رعایت حقوق و حمایت همه جانبه معلولان در نهاد محترم قانونگذاری کشورمان وضع می شود و یا در نهاد های ذیربط تعیین می گردد چه به لحاظ حمایت مالی و یا اجتماعی و یا محیطی و کارهای فرهنگی که در جهت پیشگیری و یا درمان انجام پذیرفته و یا در حال انجام است را آگاهی داریم و می دانیم که به لطف خدا در ایران اسلامی ما تمامی قوانین حمایتی از معلولان به تصویب رسیده است لکن در اجرا با کمال تاسف هنوز چندان موفق نبوده ایم . هنوز معلولین ما با توجه به قانون مناسب سازی نمیتوانند به راحتی در خیابان ها تردد نمایند و .... اما شاید دانستن اینکه در سطح بین الملل چه نگاهی به معلولان وجود دارد نیز خالی از لطف نباشد در این جستار کوتاه در حد فرصت و توان نگاهی هر چند اجمالی و کوتاه خواهیم انداخت به حقوق معلولان و گاهاً چگونگی دیدگاه کشورهای مختلف به معلولان جامعه شان . باشد که مورد توجه واقع گردد .

انشاء الله تعالی

محمد مهدی عظیمی

## فصل اول:

# قوانین بین المللی

## ۱ - اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق معلولین

مجمع عمومی با توجه به تعهد کشورهای عضو، طبق منشور سازمان ملل، به اتخاذ اقدامات مشترک و جداگانه با همکاری سازمان ملل نسبت به ارتقاء سطح زندگی، تامین اشتغال کامل و رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، با تاکید بر اعتقاد خود به حقوق و آزادیهای اساسی بشرواصول صلح و حیثیت و ارزش افراد بشروعادالت اجتماعی که در منشور سازمان قید گردیده، با در نظر داشتن اصول "اعلامیه جهانی حقوق بشر" "میثاقهای بین المللی حقوق بشر" "اعلامیه حقوق کودکان" و "اعلامیه حقوق اشخاص کم توان ذهنی" و "معیارهای ناظر بر رشد اجتماعی که در اساسنامه ها، میثاقها، توصیه ها و قطعنامه های "سازمان بین المللی کار" "سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد" "سازمان بهداشت جهانی" "سندوق ملل متحد برای کودکان" و دیگر سازمانهای قید شده - همچنین با در نظر داشتن قطعنامه ۱۹۲۱ "شورای اقتصادی و اجتماعی" (فصل پنجاه و هشتم) مورخ ۶ مه ۱۹۷۵ راجع به پیشگیری از معلول شدن از معلول شدن و توان بخشی معلولین با تاکید بر اینکه "اعلامیه رشد و توسعه اجتماعی" لزوم حمایت از حقوق و تضمین رفاه و توان بخشی از ناتوانیهای جسمی و ذهنی و کمک به معلولین برای رشد قابلیت‌های آنان در انجام فعالیتهای مختلف و مشارکت هرچه بیشتر آنان در حیات اجتماعی با آگاهی از اینکه برخی کشورها در مرحله فعلی پیشرفت خود نمی توانند اقدامات گسترده ای در این زمینه به عمل آورند .

" اعلامیه حقوق معلولین " را که در پی می آید به اطلاع همگان می رساند و خواستار اقدامات ملی و بین المللی به منظور تثبیت این اعلامیه به عنوان مبنا و چارچوب مشترکی برای حمایت از این حقوق می باشد .

۱- منظور از معلول کسی است که به علت نقص جسمی یا ذهنی (چه مادرزاد و چه غیر آن) تا حدی یا به کلی از تامين ضرورت‌های زندگی عادی فردی یا اجتماعی ناتوان است .

۲- معلولین باید از تمام حقوقی که در این اعلامیه مقرر شده بر خوردار شوند . در اعطای این حقوق به معلولین نباید هیچگونه استثناء و تمایز و تبعیضی بر پایه نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیر آن، ملیت و پایگاه اجتماعی، میزان ثروت، وضع عقاید سیاسی و غیر آن، ملیت و پایگاه اجتماعی، میزان ثروت، وضع تولد یا هر وضع دیگری که به خود معلول یا به خانواده اش مربوط می شود وجود داشته باشد .

۳- حفظ حیثیت انسانی معلولین، حق ذاتی آنهاست معلولین نیز صرف نظر از علت، کیفیت وحدت نقص و ناتوانی شان، دارای همان حقوق اساسی هستند که سایر هموطنان هم سن شان از آنها برخوردارند . حق برخورداری از یک زندگی دلبپذیر و حتی المقدور عادی، در راس این حقوق قرار دارد .

۴- معلولین دارای همان حقوق مدنی و سیاسی هستند که انسانهای دیگر از آنها برخوردارند، بند ۷ "اعلامیه حقوق اشخاص کم توان ذهنی" ناظر به رفع هر نوع محدودیت یا نقص این حقوق در مورد معلولین ذهنی است .

۵- باید اقداماتی به عمل آورد تا معلولین بتوانند حتی المقدور متکی به خود باشند .

۶- معلولین حق برخورداری از معالجات پزشکی، روانی و نوتوانی از جمله به کمک اعضای مصنوعی، توان بخشی طبی و اجتماعی، تحصیلات، تعلیمات حرفه ای، کمک، مشورت، اشتغال و غیره را به حد اعلا ارتقا دهند و سریعاً به زندگی اجتماعی بازگردند .

۷- معلولین حق برخورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی و حق برخورداری از یک زندگی دلبپذیر را دارند . آنان موافق استعدادهای خود حق استخدام شدن و اشتغال به حرفه های سودمند و مولد و عضویت در اتحادیه های کارگری را دارند .

۸- مقتضی است نیازهای خاص معلولین در تمام مراحل برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی مد نظر باشد .

۹- معلولین حق زندگی کردن با خانواده خود یا خانواده ای که آنان را به فرزند قبول می کند و حق شرکت در تمام فعالیتهای اجتماعی تولیدی یا تفریحی را دارند . هیچ معلولی را نمی توان ملزم به سکونت در محلی متفاوت کرد مگر آن که وضع وی و منفعت وی مستلزم سکونت در آنجا باشد . چنانچه سکونت معلول در یک محل خاص اجتناب ناپذیر باشد محیط و شرایط مساوی در آنجا باید تا حد امکان نزدیک به شرایط زندگی افراد عادی همسن او باشد .

- ۱۰ - معلولین باید در قبال هرگونه استثمار ، مقررات و رفتار تبعیض آمیز ، اهانت آمیز و ناشایست مورد حمایت قرار گیرد .
- ۱۱ - معلولین به هنگام لزوم باید حق برخورداری از کمکهای حقوقی برای حمایت از نفس و دارایی شان را داشته باشند چنانچه معلولی به محاکمه کشیده شود ، دادگاه باید وضع جسمی و ذهنی او را کاملاً در نظر گیرد .
- ۱۲ - مشورت با سازمانهای معلولین در مورد مسائل مربوط به حقوق معلولین سودمند خواهد بود .
- ۱۳ - معلولین ، خانواده ها و جامعه های آنان را باید به هر طریق مناسب نسبت به حقوقی که در این اعلامیه قید شده است آگاه کرد .
- قطعه نامه ۳۴۴۷
- اجلاس سی ام ، جلسه عمومی ۲۴۳۳
- ۹ دسامبر ۱۹۷۵

## ۲ - قوانین استاندارد برابر سازی فرصت ها برای معلولین

تصویب شده توسط مجمع عمومی ۹۵ / ۴۸ ، ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳

### تاریخچه و نیازهای فعلی :

- ۱) در تمامی مناطق دنیا و در تمامی سطوح هر جامعه افرادی وجود دارند که معلولیت دارند. تعداد افراد معلول در دنیا زیاد بوده و در حال افزایش است .
- ۲) هم علت ها و هم عواقب معلولیت ها در دنیا مختلف است. این اختلافات از تفاوت وضعیت اقتصادی - اجتماعی و قوانینی که دولت ها برای بهزیستی شهروندان خود وضع کرده اند؛ ناشی می شود .
- ۳) قوانین فعلی معلولیت محصول توسعه در ۲۰۰ سال اخیر است و از جنبه های مختلف نشان دهنده وضعیت عمومی زندگی و قوانین اقتصادی - اجتماعی در زمان های گوناگون می باشد. به هر حال در زمینه معلولیت شرایط اختصاصی متعددی وجود دارد که بر زندگی افراد معلول تاثیر می گذارد. بی توجهی، تحقیر، خرافات و ترس عوامل اجتماعی هستند که در طول تاریخ معلولیت باعث انزوای افراد معلول شده و در رشد آنها تاخیر به وجود آورده است .
- ۴) در طی سال ها قوانین معلولیت از یک مراقبت اولیه در موسسات به تحصیل کودکان معلول و توانبخشی افرادی که در سنین بزرگسالی معلول شده اند؛ توسعه یافته است. رشد تحصیلی و توانبخشی افراد معلول فعال تر و به عاملی برای رشد و توسعه قوانین معلولیت تبدیل شده است. سازمان هائی متشکل از معلولین، خانواده های آنها و افرادی که سرپرستی آنان را به عهده گرفته اند؛ شکل پیدا کرده اند به صورتی که شرایط بهتری برای افراد معلول به وجود آمده است. بعد از جنگ جهانی دوم، مفاهیم یکپارچه سازی و عادی سازی مطرح شده اند که نمایانگر رشد فزاینده آگاهی و توانایی های معلولین بوده است .
- ۵) در اواخر سال ۱۹۶۰ در بعضی از کشورها سازمان های معلولین تنظیم مفهوم جدیدی از معلولیت را آغاز کردند. آن مفهوم جدید، نشان می دهد که ارتباط نزدیکی بین تجارب محدود معلولین، ساختار و ترکیب محیط آنان و طرز تفکر عموم مردم وجود دارد. در همان زمان مشکلات معلولیت در کشورهای در حال توسعه بیشتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در بعضی از آن کشورها درصد افراد معلول بسیار زیاد تخمین زده شد و در بیشتر مناطق معلولین بسیار فقیر بودند.

### حرکت بین المللی قبلی :

- ۶) حقوق افراد معلول در طی زمان طولانی موضوع بسیار مورد توجه در سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی بوده است. مهمترین نتیجه "سال جهانی معلولین" - ۱۹۸۱ - برنامه حرکت جهانی درباره افراد معلول بود که در دسامبر ۱۹۸۲ در قطعه نامه ۳۷/۵۲ مجمع عمومی به تصویب رسید. آن سال (سال جهانی معلولین) و برنامه حرکت جهانی، یک

عزم قوی برای پیشرفت در زمینه امور معلولین فراهم آورد. هر کدام از آنها بر حقوق معلولین و فرصت های مساوی نسبت به سایر شهروندان و برخورداری از رشد مساوی در وضعیت زندگی ناشی از توسعه اقتصادی و اجتماعی تاکید داشتند. برای اولین بار " معلولیت " به عنوان یک رابطه عملکردی بین فرد معلول و محیط تعریف گردید .

( ۷ ) گردهمایی جهانی افراد خبره برای بازبینی و بنیان گذاری برنامه حرکت جهانی برای معلولین در اواسط دهه معلولین در سال ۱۹۸۷ در استکهلم برگزار گردید. این گردهمایی پیشنهاد کرد که دیدگاه فلسفی باید به صورتی توسعه یابد که ارجحیت ها در سال آینده مشخص گردد و باید به رسمیت شناختن حقوق معلولین اساس آن فلسفه باشد .

( ۸ ) در نتیجه، گردهمایی توصیه کرد که مجمع عمومی، جلسه ای را به شکل یک کنفرانس اختصاصی به منظور تهیه پیش نویس یک کنوانسیون بین المللی جهت رفع تمامی تبعیض هایی که برای افراد معلول وجود دارد، تشکیل دهد و تا پایان دهه به امضاء کشورها برسد .

( ۹ ) پیش نویس خلاصه کنوانسیون توسط کشور ایتالیا تهیه گردید و در چهل و هشتمین نشست به مجمع عمومی ارائه شد. در چهل و چهارمین نشست مجمع، سوئد پیش نویس تکمیلی را به مجمع ارائه داد. بهر حال در هر دو مورد هیچ توافقی در باره مناسب بودن چنین کنوانسیونی حاصل نشد. بر طبق نظر بسیاری از نمایندگان اسناد موجود مربوط به حقوق بشر حقوق افراد معلول نیز مثل سایر افراد تضمین می نماید

#### به سوی قوانین استاندارد

( ۱۰ ) در راهنمایی های بررسی شده مجمع عمومی و معاونت اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل سرانجام در اولین جلسه - سال ۱۹۹۵ - مجمع عادی موافقت کرد که این کار برای تدوین جزئیات یک سند بین المللی متفاوت تمرکز یابد. و نتیجه آن، قطعنامه ۲۶/۱۹۹۰ در ۲۴ می ۱۹۹۵ بود که معاونت کمیته توسعه اجتماعی در سی و دومین جلسه یک گروه کاری از افراد خبره دولتی که با کمک های مردمی حمایت مالی می شدند را مامور کرد؛ قوانین استاندارد برای مساوی سازی فرصت های کودکان، جوانان و بزرگسالان معلول را با همکاری نزدیک با آژانس های متخصص، ارگان های داخل دولتی و NGO ها به خصوص آنهایی که در باره معلولین می باشند، تعریف و تنظیم نماید .

معاونت همچنان از کمیسیون درخواست کرد که کار تهیه و تنظیم متن قوانین را برای مطرح شدن در سال ۱۹۹۳ و تسلیم نمودن آن به چهل و هشتمین جلسه مجمع عمومی به پایان برساند .

( ۱۱ ) نتیجه بحث ها در سومین کمیته مجمع عمومی در چهل و چهارمین جلسه مجمع نشان دهنده آن بود که حمایت وسیعی برای تعریف قوانین استاندارد در راستای یکسان سازی فرصت ها برای معلولین وجود دارد .

( ۱۲ ) در سی و دومین جلسه کمیسیون توسعه اجتماعی، ابتکار قوانین استاندارد، حمایت تعداد زیادی از نمایندگان را به همراه داشت و بحث ها در ۲۰ فوریه ۱۹۹۱ منجر به قطعنامه ۳۲/۲ گردید که در آن کمیسیون با تشکیل گروه کاری برای این منظور خاص و بر طبق قطعنامه ۲۶/۱۹۹۰ معاونت اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل موافقت نمود. هدف و محتویات قوانین استاندارد؛ مساوی سازی فرصت ها برای افراد معلول بود .

( ۱۳ ) قوانین استاندارد یکسان سازی فرصت ها جهت افراد معلول بر اساس تجارب به دست آمده در دهه معلولین در سازمان ملل ( ۱۹۹۲ - ۱۹۸۳ ) شکل گرفت. اسناد بین المللی حقوق بشر شامل اعلامیه حقوق بشر، توافقنامه بین المللی حقوق اجتماعی، فرهنگی و توافقنامه حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حذف تمامی تبعیض ها بر علیه زنان و همچنین برنامه حرکت جهانی در رابطه با افراد معلول، زمینه ساختار سیاسی و اخلاقی آن قوانین را تشکیل می داد .

( ۱۴ ) اگر چه قوانین اجباری نیستند؛ ولی وقتی که توسط تعداد زیادی از کشورها به منظور احترام به یک قانون بین المللی به کار گرفته می شوند، می توانند به صورت عادی و مرسوم در آیند و همینطور قوانین نمایانگر تعهد سیاسی و اخلاقی از طرف دولت برای به عمل درآوردن مساوی سازی فرصت ها برای افراد معلول می باشد. در متن آن اصول مهم

برای مسئولیت پذیری، عمل و همکاری، موارد مهم و قطعی برای یک زندگی مساوی و برای دستیابی به مشارکت کامل و تساوی در آن ذکر شده است. آن قوانین، پیشنهاد کننده سیاست گذاری و حرکت برای افراد معلول و سازمان های آنها بود. آنها اصولی را برای همکاری فنی و اقتصادی دولت ها، سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی پایه گذاری می کردند .

(۱۵) هدف این قوانین حصول اطمینان از این بود که دختران، پسران، زنان و مردانی که دارای معلولیت می باشند به عنوان افراد جامعه می توانند از حقوق و قوانین مساوی ساین بر خوردار باشند. در هر جامعه ای در دنیا، هنوز موانعی وجود دارد که از اجرای قوانین و آزادی های افراد معلول جلوگیری می نماید که مشارکت کامل آنان را در فعالیت های اجتماعی با مشکل مواجه ساخته است. این مسئولیت دولت هاست که با حرکت مناسب این موانع را بر طرف سازند. افراد معلول و سازمان های آنها، باید نقشی فعال به عنوان یک شریک در این روند بر عهده داشته باشند. یکسان سازی فرصت ها برای افراد معلول به مشارکت عمومی و کوشش بین المللی برای بسیج نیروهای انسانی نیاز دارد. ممکن است نیاز باشد به طور مستقیم به برخی از گروه ها مانند زنان، کودکان، سالمندان، تهیدستان، کارگران مهاجر، افراد دارای دو یا چند معلولیت، افراد بومی و اقلیت های قومی توجه ویژه ای شود. به علاوه یک گروه بزرگ آوارگان معلول وجود دارد که نیازمند توجه ویژه هستند .

#### مفاهیم بنیادی در سیاست گذاری مرتبط با معلولیت

(۱۶) مفاهیمی که در ذیل اشاره می شود از قوانین استخراج شده است - آنها بر اساس مفاهیم " برنامه حرکت جهانی در رابطه با معلولین " پایه گذاری شده اند؛ برخی از موارد منعکس کننده توسعه ای هستند که در طی دهه معلولین در سازمان ملل انجام شده است .

#### ناتوانی و معلولیت Disability and Handicap :

(۱۷) لغت ناتوانی **Disability** ، به معنی گروهی از محدودیت های عملکردی مختلف است که در هر جمعیتی و در هر کشوری در جهان روی می دهد .

افراد ممکن است با نقایص عملکرد فیزیکی، روانی، حسی یا وضعیت های طبی یا بیماری ذهنی دچار ناتوانی شوند. این اختلالات، وضعیت ها یا بیماری ها ممکن است ماهیت دائمی یا موقت داشته باشند .

(۱۸) لغت معلولیت **Handicap** به معنی از دست دادن یا محدودیت فرصت های شرکت در زندگی اجتماعی در یک سطح مساوی با دیگران است. این لغت، توصیف کننده تعامل فرد دارای ناتوانی و محیط او است. هدف کاربری از این لغت تاکید بر این مطلب و تمرکز بر کمبود در محیط، و بسیاری از فعالیت های سازمان یافته در جامعه است. برای مثال نبود اطلاعات، ارتباطات و تحصیل که فرد دارای ناتوانی را از دستیابی به فرصت های مساوی محروم می کند .

(۱۹) استفاده از دو لغت "ناتوانی" و "معلولیت" همان طور که در پاراگراف ۱۶ و ۱۷ توصیف شده است؛ باید با توجه به تاریخچه جدید معلولیت بررسی شود. در طی سال ۱۹۷۵ واکنش تندی در میان نمایندگان سازمان های معلولین و کارشناسان امور معلولیت، بر علیه استفاده از این لغات به وجود آمد. لغات "ناتوانی" و "معلولیت" معمولاً به صورت گنگ و نامفهوم به کار رفته است .

این ترمینولوژی نمایانگر یک دیدگاه پزشکی و تشخیصی بود که نقص و کمبودها را در محیط اطراف نادیده می گرفت .

(۲۰) در سال ۱۹۸۰ سازمان جهانی بهداشت یک طبقه بندی بین المللی از اختلال **Impairment** ، ناتوانی

**disability** و معلولیت **handicap** را به تصویب رساند که مبین دقت بیشتر و در عین حال دیدگاه نسبی آن بود .

طبقه بندی بین المللی سازمان بهداشت جهانی این سه لغت را به وضوح از همدیگر متمایز می داند. این لغات در زمینه های توانبخشی، تحصیلی، آمار، سیاست گذاری، قانونگذاری، جامعه شناسی، اقتصاد و علوم انسان شناسی بسیار به کار می رود .

برخی از استفاده کنندگان از این لغت اظهار داشته اند که این طبقه بندی در تعریف لغت " معلولیت " بیش از اندازه به جنبه پزشکی پرداخته و به فرد بیش از اندازه توجه شده است که تمایز بین وضعیت های محیطی یا انتظارات از توانایی های فردی به طور مناسب ممکن نیست .

آن مفهوم و سایر مفاهیمی که توسط استفاده کنندگان از آن در طی ۱۲ سال بعد از انتشار آن بیان شد باعث گردید که به ویرایش جدیدی در آینده نیاز باشد .

( ۲۱ ) تجربه های به دست آمده در پایه گذاری برنامه حرکت جهانی و بحث های عمومی که در دهه معلولین در سازمان ملل انجام شد، نمایانگر آگاهی عمیق در توسعه درک موضوع معلولیت و ترمینولوژی فعلی و نیاز به توجه به نیازهای شخصی - مثل توانبخشی و کمک های فنی - و توجه به قصور جامعه - مثل موانع مشارکت معلولین - می باشد .

**پیشگیری :**

( ۲۲ ) لغت پیشگیری به معنای فعالیتی است که هدف آن جلوگیری از وقوع اختلال فیزیکی، ذهنی، روانپزشکی یا حسی ( پیشگیری اولیه ) یا جلوگیری از ناتوانی یا اختلال عملکردی می باشد که توسط نقائص به وجود می آید پیشگیری ثانویه پیشگیری در عمل ممکن است شامل انواع گوناگونی باشد مثلاً مراقبت های بهداشتی اولیه ( PHC ) ، مراقبت های قبل و بعد از زایمان، آموزش تغذیه، ایمن سازی بر علیه بیماری های مسری، اقدامات لازم برای کنترل بیماری های آندمیک، قوانین ایمنی، برنامه برای پیشگیری از حوادث در محیط های مختلف مانند مناسب سازی محیط کار به منظور پیشگیری از معلولیت های شغلی و بیماری ها، و پیشگیری از معلولیت ناشی از آلودگی محیط زیست و درگیری های نظامی .

#### **توانبخشی :**

( ۲۳ ) توانبخشی: لغت توانبخشی به روندی اشاره دارد که هدف آن ساختن فرد معلول برای دستیابی و حفظ حداکثر سطح عملکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، روانشناسی و اجتماعی است. بنابراین توانبخشی اسباب تغییر زندگی افراد معلول را به سوی یک زندگی مستقل تر فراهم می کند .

توانبخشی ممکن است شامل اقداماتی باشد که عملکرد هایی را تولید یا باز یافت می نماید یا نقص و نبود یک عملکرد را جبران می کند .

توانبخشی شامل مراقبت های اولیه پزشکی نمی شود بلکه شامل اقدامات و فعالیت های گسترده ای است که از توانبخشی پایه و عمومی شروع شده و تا فعالیت های هدف دار مثل توانبخشی حرفه ای پیش می رود .

#### **برابری فرصت ها :**

( ۲۴ ) لغت برابری فرصت ها به معنی روندی است که در طی آن سیستم های مختلف اجتماعی و محیطی مثل سرویس ها، فعالیت ها، اطلاعات و مستندات در دسترس تمامی افراد به ویژه معلولین قرار می گیرد .

( ۲۵ ) اصول حقوق مساوی بر این دلالت می کند که نیازهای هر فردی اهمیت یکسان دارد و این نیازها می بایست پایه برنامه ریزی های جوامع باشد و تمامی منابع می بایست به صورتی به کار گرفته شود تا این اطمینان به دست آید که هر فردی از نظر مشارکت دارای فرصت های مساوی می باشد .

( ۲۶ ) افراد معلول عضو جوامع بوده و حق باقی ماندن در جوامع محلی خود را دارند. آنها می بایست حمایت های لازم برای تحصیل، سلامتی، اشتغال و سایر سرویس های اجتماعی را کسب نمایند .

( ۲۷ ) همانطور که فرد معلول باید دارای حقوق مساوی باشد، تکالیف مساوی نیز خواهند داشت. وقتی که حقوق در حال به دست آمدن هستند؛ جامعه باید انتظاراتش از معلولین را بالا ببرد .

**به عنوان یک قسمت از روند مساوی سازی فرصت ها، شرایطی باید وضع شود که افراد معلول مسئولیت کاملی در مقابل سایر اعضای جامعه بر عهده گیرند .**

**مقدمه :**



دولتها با توجه به تعهد اعضاء تحت منشور سازمان ملل، برای اقدامات مشترک و جداگانه در قالب همکاری با سازمان به منظور ارتقاء استانداردهای زندگی، اشتغال کامل، وضعیت پیشرفت و رشد اقتصادی و اجتماعی .

با اذعان به حقوق بشر و آزادی های اساسی، عدالت اجتماعی، کرامت و ارزش انسان که در منشور اعلام گردیده است به خصوص با یادآوری استانداردهای بین المللی حقوق بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب رسیده است .

با ذکر این مطلب که آن قوانین اعلام می کند حقوق به رسمیت شناخته شده در آنها می بایست بدون تبعیض به صورت مساوی به همه افراد داده شود .

با یادآوری کنوانسیون حقوق کودک که تبعیض بر اساس معلولیت را ممنوع کرده است و اقدامات خاص برای حصول اطمینان از حقوق کودکان معلول طلب می کند و کنوانسیون حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و افراد خانواده آنها که تا حدی اقدامات حمایتی برای آنان را در جهت جلوگیری از معلولیت تامین می کند .

همچنین با یادآوری اهداف در کنوانسیون حذف تمامی تبعیض ها بر علیه زنان برای اطمینان از حقوق دختران و زنان معلول .

با توجه به اعلامیه حقوق معلولین، اعلامیه حقوق معلولین ذهنی، اعلامیه رشد و توسعه اجتماعی، مبانی حمایت از افراد با بیماری ذهنی و برای بهبود مراقبت بهداشت روانی و سایر مواردی که توسط مجمع عمومی به تصویب رسیده است .

همچنین با توجه به کنوانسیون های مربوطه و توصیه هایی که توسط سازمان جهانی کار ( ILO ) با توجه ویژه به اشتغال بدون تبعیض برای افراد معلول به تصویب رسیده است .

با یادآوری توصیه های مربوطه که توسط بنیاد آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد و به صورت اختصاصی " اعلامیه جهانی آموزش برای همه " سازمان بهداشت جهانی، صندوق کودکان سازمان ملل ( UNICEF ) و سایر سازمانهای مربوطه اعلام گردیده است .

با توجه به احترام دولت ها به حفظ محیط و با یادآوری خرابی های ایجاد شده توسط درگیری های نظامی و با تاسف از کمبود منابع در محدود کردن سلاحها .

با به رسمیت شناختن اینکه هدف برنامه حرکت جهانی در رابطه با معلولین و تعریف مساوی سازی فرصت ها در آن نمایانگر آرمان های قوی برای این دسته از افراد جامعه بین الملل و در راستای دستیابی به قوانین مختلف بین المللی، توصیه های عملی و اتحاد بر جسته آنان می باشد .

با آگاهی از آن که هدف دهه معلولین در سازمان ملل (۱۹۸۳-۱۹۹۲) و برنامه حرکت جهانی هنوز معتبر بوده و نیازمند عملیات فوری و ادامه دار می باشد .

با یادآوری اینکه برنامه حرکت جهانی بر اساس مفاهیمی بنیان گذاری شده که هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای صنعتی معتبر است و با قبول اینکه تلاش های زیادی لازم است تا حقوق معلولین و مشارکت آنان به دست آید .

و با تاکید مجدد بر اینکه افراد معلول، خانواده های آنان، مراقبین، مدافعین و سازمان های آنان می بایست با دولت ها و در برنامه ریزی و بنیان گذاری تمامی اقداماتی که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان را متاثر می سازد؛ مشارکت فعال داشته باشند .

متعاقب قطعنامه فرهنگی - اجتماعی ۲۶/۱۹۹۰ و بر اساس اقدامات اختصاصی لازم برای افراد معلول در جهت تساوی با دیگران که در برنامه حرکت جهانی در نظر گرفته شده است .

قوانین استاندارد تساوی حقوق معلولین بصورت اجمالی به ترتیب زیر تصویب می گردد :

الف) \* تاکید تمامی حرکتها در زمینه معلولیت نیازمند دانش و تجربه کافی از شرایط و نیازهای ویژه افراد معلول می باشد .

ب) \* تاکید پروسه ای اساس رشد اجتماعی و اقتصادی می باشد که در آن یک ساختار اجتماعی برای همه در دسترس می باشد .

ج) خلاصه نمودن جنبه های مهم قوانین اجتماعی در زمینه معلولیت مثل تشویق مناسب و فعالانه به همکاری فنی و اقتصادی

د) تدارک مدل هایی برای پروسه های تصمیم گیری که برای حصول تساوی فرصت ها لازم است و با توجه به اینکه سطوح فنی و اقتصادی مختلفی وجود دارد و این واقعیت که این پروسه می بایست منعکس کننده فهم مشتاقانه برای مفاهیم فرهنگی باشد که در آن اجرا خواهد شد و نیز با توجه به نقش حیاتی افراد معلول در آن .

هـ) پیشنهاد نمودن مکانیسم های ملی برای همکاری نزدیک تمامی دولت ها و ارگانهای سیستم سازمان ملل، سایر ارگانهای دولتی و سازمان های معلولین .

و) پیشنهاد نمودن یک طرح تشکیلاتی موثر برای نظارت بر پروسه ای که در آن دولت ها دستیابی به تساوی فرصت ها برای معلولین را تعقیب می کنند :

### I ( پیش نیازهای مشارکت مساوی

قانون ۱: افزایش دادن آگاهی ها

دولت ها باید به بالا بردن آگاهی جامعه نسبت به معلولین، حقوق، نیازها، ظرفیت ها و سهم آنان اقدام نمایند .

۱) دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که صاحب منصبان و مسئولین، اطلاعات به روز را از طریق برنامه ها و سرویس های دردسترس، به معلولین، خانواده های ایشان، متخصصین در زمینه معلولیت وعموم مردم می رسانند. اطلاعات باید از طریق قابل دسترس به معلولین برسد .

۲) دولتها می بایست به اطلاع رسانی و حمایت از آن در مورد افراد معلول اقدام نمایند و خط مشی آن باید حاوی این پیغام باشد که افراد معلول شهروندانی با حقوق و تکالیف مشابه هستند . بنابراین اقداماتی باید به عمل آید تا تمامی موانع بر سر راه مشارکت کامل آنان برداشته شود .

۳) دولت ها باید مشوق آن باشند که تصویر به نمایش گذاشته از معلولین در رسانه ها به طور مثبتی نشان داده شود. سازمان های معلولین باید در این مورد طرف مشورت قرارگیرند .

۴) دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که برنامه های آموزش اجتماعی در برگیرنده تمامی جنبه های اساسی مشارکت و تساوی کامل معلولین می باشد .

۵) دولت ها می بایست معلولین، خانواده ها و سازمانهای آنان را به برنامه های آموزشی و اجتماعی مرتبط با معلولیت دعوت نمایند .

۶) دولت ها می بایست بخش خصوصی را تشویق کنند که موضوعات معلولیت را در تمامی فعالیت هایشان در نظر داشته باشند .

۷) دولت ها می بایست برنامه هایی را با هدف افزایش آگاهی افراد معلول درباره حقوق و ظرفیت هایشان شروع و حمایت نمایند. افزایش اتکا به خود و تقویت معلولین موجب کمک به آنها برای رسیدن به امتیازات و فرصت های در دسترس خواهد شد .

۸) باید افزایش آگاهی به عنوان یک قسمت مهم از تحصیل کودکان معلول در برنامه های توانبخشی وجود داشته باشد. کودکان معلول همچنین می توانند به همدیگر در افزایش این آگاهی در فعالیت هایشان در سازمان های خودشان کمک کنند .

۹) افزایش آگاهی باید جزئی از تحصیلات همه کودکان و از مواد درسی دوره های تربیت معلم و دوره های آموزشی همه افراد حرفه ای باشد .

### قانون ۲: مراقبت پزشکی :

دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که مراقبت های پزشکی مؤثر برای افراد معلول وجود دارد .

- ۱) دولتها می بایست به سمت تهیه برنامه هایی پیش روند که توسط تیم های مختلف، متشکل از متخصصان برای تشخیص زودرس، ارزیابی و درمان نقایص اجرا می شود. این مسئله می تواند از معلولیت پیشگیری کند و آن را کاهش دهد یا حذف نماید. این برنامه ها باید از مشارکت کامل معلولین و خانواده های آنان در سطح فردی و از مشارکت سازمان های معلولین در سطح برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی استفاده کند.
- ۲) در جوامع محلی کارگران می بایست آموزش داده شوند که در زمینه هایی مثل تشخیص زودرس نقایص و بیماری ها کمک اولیه و ارجاع موارد به سرویس های مناسب مشارکت داشته باشند.
- ۳) دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که افراد معلول به خصوص نونهالان و کودکان از مراقبت های پزشکی مشابه سایر افراد در همان جامعه و در همان سیستم برخوردارند.
- ۴) دولتها می بایست اطمینان حاصل کنند که تمامی پرسنل پزشکی و پیراپزشکی به صورت مناسب آموزش دیده اند و دارای تجهیزات کافی برای ارائه خدمات به معلولین بوده و به متد و نیز تکنولوژی مربوطه دسترسی دارند.
- ۵) دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که کادر پزشکی و پیراپزشکی و سایر کارکنان به صورت مناسب آموزش دیده اند به صورتی که به والدین توصیه های اشتباه نمی دهند تا انتخاب ها را برای کودکان خود محدود کنند. این آموزش باید به صورت یک پروسه متحد باشد و باید بر اساس آخرین اطلاعات، در دسترس قرار بگیرند.
- ۶) دولت ها باید اطمینان حاصل کنند که افراد معلول از درمان متعارف و داروهایی که ممکن است برای حفظ عملکردشان نیاز باشد؛ برخوردار هستند.

### قانون ۳ : قانون توانبخشی :

- دولت ها باید از تدارک سرویس های توانبخشی افراد معلول برای رسیدن و حفظ حداکثر سطح استقلال و عملکرد ایشان اطمینان حاصل نمایند.
- ۱) دولت ها باید برنامه های توانبخشی ملی را برای همه گروه های معلولین توسعه دهند. این برنامه ها باید بر مبنای نیازهای اختصاصی افراد معلول و بر مبنای اصول مشارکت کامل و تساوی پایه ریزی شود.
  - ۲) این برنامه ها می بایست شامل طیف گسترده فعالیت هایی از قبیل آموزش مهارت های پایه یا جبران عملکرد مختل شده یا مشاوره با معلولین و خانواده های آنان و افزایش اتکا به خود و سرویس های ارزیابی و راهنمایی باشد که ممکن است به آن نیاز باشد.
  - ۳) تمام معلولین خواه با معلولیت شدید یا معلولیت چند گانه نیازمند توانبخشی؛ باید به آن دسترسی داشته باشند.
  - ۴) افراد معلول و خانواده های آنها باید قادر باشند در برنامه ریزی و سازماندهی سرویس های توانبخشی مرتبط به آنها شرکت داشته باشند.
  - ۵) تمامی سرویس های توانبخشی باید در جوامع محلی، یعنی جایی که فرد معلول زندگی می کند وجود داشته باشد، به هر حال در بعضی مواقع، برای رسیدن به اهداف آموزشی مشخص، دوره های توانبخشی با محدودیت زمانی ممکن است به شکل اقامتی در جایی که مناسب باشد؛ سازمان دهی شود.
  - ۶) افراد معلول و خانواده های آنها می بایست تشویق شوند در برنامه های توانبخشی مشارکت نمایند. بطور مثال به عنوان یک معلم دوره دیده، مربی یا مشاور.
  - ۷) دولت ها باید در هنگام برنامه ریزی و ارزیابی برنامه های توانبخشی به مجرب بودن سازمان های معلولین توجه کنند.

### قانون ۴ : سرویس های حمایتی

- دولت ها باید از توسعه و تدارک سرویس های حمایتی مثل وسایل کمکی برای معلولین، برای افزایش استقلال آنان در زندگی روزانه و محقق شدن حقوق آنان اطمینان حاصل کنند.
- ۱) دولت ها باید از تدارک وسایل کمکی و تجهیزات، کمک های شخصی، سرویس های ترجمه با توجه به نوع نیاز معلولین به عنوان اقدامات مهم جهت حصول تساوی فرصت ها اطمینان حاصل کنند.

- ۲) دولت ها می بایست توسعه، تولید، پخش سرویس های مرتبط با وسایل کمکی و تجهیزات و اطلاع رسانی در مورد آنان را حمایت کرده و توسعه دهند .
- ۳) برای حصول به این امر به طور کلی باید از آموزش های تکنیکی در دسترس استفاده شود و در کشورهای که تکنولوژی صنعتی در سطح بالایی در دسترس می باشد، باید حداکثر استفاده در جهت بهبود استانداردها، تجهیزات و وسایل به عمل آید و این مسئله اهمیت دارد که توسعه و تولید وسایل ارزان و ساده که از مواد و تسهیلات محلی در صورت امکان استفاده می نمایند، تقویت گردد. افراد معلول خودشان می توانند در تولید این وسایل شرکت کنند .
- ۴) دولت ها می بایست حق تمامی معلولین نیازمند به وسایل کمکی را برای دسترسی به نوع مناسب و از نظر اقتصادی در دسترس را به رسمیت بشناسند. این ممکن است به آن معنی باشد که وسایل و تجهیزات کمکی می بایست به صورت رایگان یا با قیمت ارزان عرضه گردد به صورتی که معلولین یا خانواده آنان بتوانند آن را تهیه نمایند .
- ۵) دولت ها می بایست در برنامه های توانبخشی برای تدارک تجهیزات و لوازم کمکی نیازهای پسران و دختران در مورد طراحی، طول کارکرد و تناسب تجهیزات و لوازم با سن آنها را در نظر بگیرند .
- ۶) دولت ها می بایست تهیه و توسعه برنامه های کمکی و سرویس های ارتباطی را به خصوص برای افراد با معلولیت های شدید و معلولیت های چند گانه حمایت نمایند. این برنامه ها سطح مشارکت معلولین را در زندگی روزمره در خانه، در محل کار، مدرسه و در زمان اوقات فراغت افزایش می دهند .
- ۷) برنامه های کمکی شخصی باید به نحوی طراحی شود که افراد معلول استفاده کننده یک تاثیر قطعی بر نوع برنامه ای که ارائه می شود داشته باشند .

## II ) مناطق هدف برای تساوی فرصت ها

### قانون ۵ در دسترس بودن :

- دولت ها می بایست اهمیت کلی دسترسی به فرصت های مساوی را در تمامی ابعاد جامعه دریابند. دولت ها باید برای افراد معلول از هر نوع که باشند :
- الف) برنامه هایی که دسترسی به محیط فیزیکی را امکان پذیر می سازد اعلام نماید .
- ب) متعهد به تدارک دسترسی به اطلاعات و ارتباطات شوند .
- الف) دسترسی به محیط های فیزیکی
- ۱) دولتها می بایست اقداماتی را شروع کنند که موجب برداشتن موانع مشارکت معلول در محیط فیزیکی شود . این اقدامات می بایست استانداردها و خطوط راهنما را به تصویب رسانده و وضع نمایند تا اطمینان حاصل شود که در مناطق مختلف مثل خانه ها، ساختمان ها، سرویس های حمل و نقل عمومی و سایر سرویس های مسافرتی، خیابان ها و سایر محیط های خارج از خانه دسترسی به وجود آمده است .
- ۲) دولت ها باید اطمینان حاصل نمایند که معماران، طراحان سازه ها و سایر افراد متخصص درگیر در طراحی و پیکربندی محیط های فیزیکی؛ دسترسی به اطلاعات کافی در مورد قوانین معلولیت و دسترسی سازی را دارند .
- ۳) نیاز به دسترسی سازی می بایست مشمول ساختار محیط فیزیکی از ابتدای طراحی باشد .
- ۴) سازمان های معلولین می بایست هنگامی که استانداردها و عرف دسترسی سازی در حال توسعه و گسترش می باشد؛ مورد مشاوره قرار گیرند. آنها می بایست همچنین به صورت منطقه ای از ابتدای مرحله طراحی ساختار پروژه های عمومی، دخالت داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که حداکثر دسترسی سازی فراهم آمده است .
- ب) دسترسی به اطلاعات و ارتباطات
- ۵) افراد معلول و در جایی که لازم باشد خانواده و حامیان آنان باید دسترسی کامل به تشخیص، حقوق و سرویس ها با برنامه های در دسترس در تمامی سطوح را داشته باشند .
- ۶) دولت ها می بایست استراتژی های مربوط به سازمان دهی سرویس های اطلاعاتی و مستندات در دسترس را برای همه گروه های معلول توسعه دهند .

می بایست برای افراد معلول خط بریل، سرویس هائی که بر روی کاست ارائه می شود، پرینت هائی که در فونت بزرگتر چاپ می شود و سایر تکنولوژی های مناسب و قابل دسترس تهیه گردد تا اطلاعات و مستندات برای افراد با اختلال دید ثبت گردد .

به طور ساده، می بایست تکنولوژی هایی استفاده شود که دسترسی به اطلاعات گفتاری برای افراد با اختلال شنوایی یا اختلال درکی فراهم شود .

( ۷ ) می بایست به استفاده از زبان اشاره در تحصیل کودکان ناشنوا، در خانواده و جوامع آنان توجه لازم به عمل آید .

همچنین می بایست ترجمه همزمان زبان اشاره، برای ارتباط دادن افراد ناشنوا و سایرین توجه لازم مبذول گردد .

( ۸ ) به افراد با سایر معلولیت ها نیز می بایست توجه لازم اعمال گردد .

( ۹ ) دولت ها می بایست رسانه ها به ویژه رادیو و تلویزیون و روزنامه ها را ترغیب کنند تا آنها سعی نمایند این گونه سرویس ها به صورت قابل دسترس درآیند .

( ۱۰ ) دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که اطلاعات رایانه ای و سیستم های خدماتی آنان که به عموم مردم عرضه می شود به افراد معلول نیز عرضه گردد .

( ۱۱ ) می بایست در زمان توسعه برای در دسترس در آوردن سرویس های اطلاعاتی با سازمان های معلولین مشاوره گردد .

#### قانون ۶: تحصیلات

دولت ها می بایست اصول تساوی فرصت های تحصیلی ابتدائی، راهنمائی، دبیرستان برای کودکان، جوانان و بزرگسالان معلول را به طور کامل به رسمیت بشناسد .

آنها می بایست اطمینان حاصل کنند که تحصیلات معلولین در تمام ابعاد سیستم آموزشی وجود دارد .

( ۱ ) مسئولان آموزش موظفند تا تحصیلات افراد معلول را به صورت کامل تنظیم و سازماندهی نمایند. به طوری که یک

واحد جدا نشدنی از برنامه ریزی تحصیلات ملی توسعه؛ برنامه تحصیلی و سازمان مدارس باشند .

( ۲ ) پیش نیاز تحصیلات در مدارس اصلی، سرویس های ترجمه و سایر موارد سرویس ها مناسب باشد. دسترسی به

سرویس های مناسب و سهل الوصول برای برطرف کردن نیازهای افراد با معلولیت های مختلف طراحی و تهیه گردد .

( ۳ ) گروه های متشکل از والدین و سازمان های معلولین می بایست در روند تحصیلات در تمامی سطوح دخالت داشته باشند .

( ۴ ) می بایست در دولت هایی که تحصیلات اجباری می باشد؛ تحصیلات برای دختران و پسران با تمامی انواع معلولیت ها از جمله معلولیت های شدید تدارک دیده شود .

( ۵ ) می بایست به افراد زیر بصورت اختصاصی توجه گردد :

الف - کودکان معلول خیلی کم سن

ب - کودکان معلول پیش دبستانی

ج - بزرگسالان با معلولیت به ویژه زنان

( ۶ ) دولت ها می بایست برای تهیه و تمرکز تدارکات برای افراد معلول در تحصیلات اصلی :

أ - قوانین دولتی واضح؛ وضع نمایند و آن را به رسمیت شناخته و درک درستی در سطح مدرسه و در خارج از مدرسه داشته باشند .

ب - ترتیبی اتخاذ کنند که برنامه تحصیلی، انطباق و انعطاف پذیری لازم را داشته باشند .

ج - دارای موارد کیفی، برنامه مداوم آموزش معلمان باشند و معلمان را حمایت نمایند .

( ۷ ) به تحصیلات مختلط ( یکپارچه ) و با برنامه های جامعه نگر می بایستی به عنوان یک راه حل تکمیلی در تحصیلات

افراد معلول نگریسته شود .

برنامه های ملی جامعه نگر می بایست جوامع را به استفاده، رشد و توسعه منابع ایشان برای تدارک تحصیلات افراد معلول ترغیب نمایند .

۸) می بایست در حالت هائی که سیستم مدرسه عمومی هنوز پاسخگوی نیازهای افراد معلول نیست، تحصیلات استثنائی در نظر گرفته شود. می بایست هدف این تحصیلات آماده نمودن دانش آموزان برای استفاده از مدارس عمومی باشد .

کیفیت این گونه تحصیلات می بایست منعکس کننده استانداردها و اهدافی مثل تحصیلات عمومی بوده و باید به صورت نزدیکی با آن در ارتباط باشد .

در حداقل شرایط دانش آموزان معلول می بایست از منابع مالی سهم مساوی و مشابه افراد غیر معلول را داشته باشند . دولتها می بایست یکپارچه نمودن تدریجی سرویس های تحصیلات استثنائی را با تحصیلات عادی به عنوان هدف مد نظر داشته باشند .

لازم به توضیح است؛ ممکن است در برخی موارد " تحصیلات استثنائی " برای گروهی از دانش آموزان معلول به عنوان بهترین روش تحصیل شناخته شود .

۹) با توجه به نیازهای ارتباطی اختصاصی برای افراد " ناشنوا " و " ناشنوا - نابینا " تحصیلات آنان ممکن است در مدارس متشکل از معلولین مشابه و یا کلاس های استثنائی تشکیل شده در مدارس عادی انجام شود .

در مرحله ابتدایی نیاز است که به طور اختصاصی به رهنمون های های حساس فرهنگی که منجر به مهارت های ارتباطی و استقلال حداکثر برای افراد معلول می شود توجه ویژه ای شود .

#### قانون ۷: اشتغال

دولت ها می بایست این اصل را که " معلولین باید تقویت شوند تا حقوق خود را به دست آورند." به خصوص در زمینه اشتغال به رسمیت بشناسند .

۱) قوانین و مقررات در زمینه اشتغال نباید در مورد افراد معلول تبعیض آمیز باشد و نباید مانعی در راه اشتغال آنان به وجود آورد .

۲) دولت ها می بایست به صورت فعال پیوستن افراد معلول به اشتغال آزاد را حمایت نمایند. این حمایت فعال می تواند از طرق مختلف مانند آموزش حرفه ای، تمهیداتی همچون سهمیه های تشویقی یا استخدام تشویقی، وام و یا اعتبارات برای کارگاه های کوچک، معاهدات اختصاصی یا حق ارجحیت تولید، امتیازات مالیاتی، قبول قرارداد یا سایر حمایت های فنی و اختصاصی برای اجرائی کردن اشتغال افراد معلول انجام شود .

دولت ها همچنین می بایست کارفرمایان را تشویق کنند برنامه های قابل قبولی برای اشتغال افراد معلول داشته باشند .

۳) برنامه ها و حرکت دولت ها باید شامل موارد زیر باشد :

الف - اقداماتی در جهت طراحی و اجرای کارگاه ها و تعهدات شغلی، به صورتی که در دسترس معلولین با معلولیت های مختلف باشد .

ب - حمایت کردن از تکنولوژی های جدید و توسعه تولید وسایل، ابزار و تجهیزات کمکی و اقداماتی در جهت تسریع عرضه آنان به افراد معلول و قادر ساختن آنان برای داشتن شغل و تداوم آن .

ج - تدارک، برقراری و حمایت مناسب از مواردی مثل وسایل کمک آموزشی شخصی و سرویس های زبان اشاره .

۴) دولت ها می بایست احترام به افزایش سطح اطلاعات مردم و حمایت از آنان را به صورتی انجام دهند که عقاید منفی و متعصبانه در مورد افراد معلول از بین برود .

۵) دولت ها می بایست فرصت های شغلی برای افراد معلول را در بخش دولتی، متناسب با ظرفیت هایشان ایجاد کند .

- ۶) دولت ها، سازمان های کارگری و کارفرمایان می بایست با یکدیگر همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که قوانین استخدام و ارتقا مساوی، شرایط استخدام، کارمزد و اقدامات بهبود شرایط محیط کاری برای پیشگیری از صدمات و بیماری ها و اقدامات برای توانبخشی افرادی که صدمات مزمن ناشی از کار داشته اند؛ فراهم شده باشد .
- ۷) همیشه باید هدف برای افراد معلول ایجاد اشتغال در بازار آزاد کار باشد. نیازها برای افراد معلول باید برطرف شود تا بتواند در بازار آزاد، کار کنند. همچنین واحد های کوچک یا حمایت شده و تحت پوشش، یک جایگزین مناسب بشمار می رود .
- ارزیابی کیفیت این گونه برنامه ها از نظر تناسب آنها و میزان تأثیر در برآوردن فرصت های شغلی برای معلولین و جذب آنها در بازار کار بسیار مهم است .
- ۸) اقداماتی باید اتخاذ شود که افراد معلول در برنامه های آموزشی و استثنایی در بخش خصوصی و غیر دولتی جذب شوند .
- ۹) دولت ها، سازمان های کارگری، کارفرمایان می بایست با سازمان های معلولین در رابطه با تمامی اقدامات مرتبط با آموزش و اشتغال آنان مثل ساعت کاری غیر ثابت، نیمه وقت، کار مشترک، خود اشتغالی و مراقبت برای افراد معلول همکاری کنند .

### قانون ۸: ثبات در آمد و امنیت اجتماعی

دولتها برای استقرار امنیت اجتماعی و ثبات درآمد افراد معلول مسئول هستند .

- ۱) دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که حمایت در جهت درآمد کافی برای افراد معلول که با توجه به معلولیت یا فاکتورهای وابسته به معلولیت، درآمدها را از دست داده یا با کاهش درآمد مواجه شده اند یا از فرصت های شغلی کنار زده شده اند؛ وجود دارد .
- دولت ها باید اطمینان حاصل نمایند که استقرار این حمایت ها با مخارجی که به فرد معلول و خانواده وی، به علت وجود معلولیت تحمیل می گردد؛ همخوانی داشته باشد .
- ۲) دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که در کشورها، در جایی که امنیت اجتماعی، بیمه همگانی و سایر برنامه های بهزیستی وجود دارد یا در حال توسعه برای عموم مردم است؛ این سیستم ها معلولین را کنار نگذاشته و تبعیض آمیز نیستند .
- ۳) دولت ها همچنین می بایست اطمینان نمایند که افرادی که مسئولیت مراقبت از فرد معلول را بر عهده دارند از امنیت اجتماعی و حمایت درآمدی برخوردار می باشند .
- ۴) سیستم امنیت اجتماعی می بایست دارای انگیزه ترمیم ظرفیت های کاری و درآمدی فرد معلول باشد. این سیستم ها می بایست توسعه و سرمایه گذاری در امر آموزش حرفه ای را در سازمان ها تقویت کرده و آن را انتشار دهند .
- ۵) همچنین برنامه های امنیت اجتماعی می بایست مشوق هایی را برای افراد معلول که در جهت به دست آوردن یا بازگرداندن درآمد اجتماعی اشان به دنبال کار هستند؛ تدارک ببینند .
- ۶) پشتیبانی مالی باید تا زمانی که شرایط معلول کننده فرد باقی باشد و فرد معلول امیدی به پیدا کردن کار نداشته باشد؛ ادامه یابد. این حمایت فقط باید زمانی کم و خاتمه داده شود که فرد معلول درآمد کافی و مطمئن کسب کرده باشد .
- ۷) دولت ها می بایست در کشورهایی که امنیت اجتماعی در سطح وسیع، توسط بخش خصوصی تأمین می شود؛ گروههای محلی، سازمان های بهزیستی و خانواده ها را ترغیب کنند که اقدامات خودیاری و تشویقی برای فعالیت های اشتغالزا و وابسته به اشتغال برای افراد معلول تدارک ببینند .

**قانون ۹: زندگی خانوادگی و کرامت فردی**

دولت ها باید شرکت فرد معلول را در زندگی خانوادگی تقویت نمایند. آنها باید حق کرامت فردی را تقویت نمایند و اطمینان حاصل نمایند که قانون در مورد روابط جنسی، ازدواج و نگهداری از فرزندان در مورد آنان تبعیض قائل نشده است .

۱) افراد معلول می بایست بتوانند با خانواده اشان زندگی کنند . دولت ها می بایست مشارکت در امر مشاوره خانواده را در مقیاس مناسب با توجه به معلولیت و اثرات آن بر خانواده ترغیب نمایند .

سرویس های نگهداری می بایست در دسترس خانواده هایی که دارای افراد معلول می باشند؛ قرار بگیرند. دولت ها می بایست موانع غیر ضروری را برای افرادی که می خواهند از کودک یا فرد بزرگسال معلول مراقبت کنند و یا او را به فرزند خواندگی قبول کنند؛ بردارند .

۲) افراد دارای معلولیت نباید از داشتن تجارب جنسی، روابط جنسی و تجربه داشتن فرزند نهی شوند. با توجه به اینکه افراد معلول ممکن است مشکلاتی را در رابطه با ازدواج و تشکیل خانواده تجربه نمایند. دولت ها می بایست سرویس های مشاوره در دسترس را تدارک بینند .

افراد معلول می بایست به اندازه دیگران به روش های کنترل موالید دسترسی داشته باشند. همچنین به اطلاعات در زمینه عملکرد جنسی، دسترسی داشته باشند .

۳) افراد معلول و خانواده های آنها نیاز دارند که به صورت کامل در مورد تدابیر ایمنی بر علیه سوءاستفاده جنسی یا سوء استفاده های دیگر مطلع باشند . به خصوص افراد معلول مستعد هستند که در خانواده، جامعه یا انستیتوها مورد سوء استفاده قرار بگیرند و لازم است که در رابطه با چگونگی پرهیز از مواجهه با سوء استفاده، تشخیص دادن آن وقتی که به وقوع می پیوندد و گزارش این گونه موارد آموزش لازم را کسب کرده باشند .

**قانون ۱۰: فرهنگ**

دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که افراد معلول در فعالیت های فرهنگی براساس یک مبنای مساوی شرکت دارند .

۱) دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که افراد معلول در فعالیت های فرهنگی برای استفاده از خلاقیت، ظرفیت های هنری و ذهنی و نه تنها برای سود شخصی خودشان بلکه برای غنی ساختن جامعه خود چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی دارای فرصت های مساوی می باشند. به عنوان مثال این گونه فعالیت ها شامل رقص، موزیک، ادبیات، تئاتر، هنرهای تجسمی، نقاشی و مجسمه سازی است. به خصوص در کشورهای در حال توسعه می بایست بر انواع هنرهای معاصر و سنتی مثل خیمه شب بازی، نقالی و داستان خوانی تأکید کرد .

۲) دولت ها می بایست دستیابی و در دسترس بودن محل های اجرای سرویس های فرهنگی مثل تئاتر، موزه ها، سینماها و کتابخانه ها را به افراد معلول تقویت کنند .

۳) دولت ها می بایست رشد و توسعه و چیدمان فنی و تخصصی برای دسترسی معلولان به تولیدات ادبی، فیلم ها، تئاتر ها و ... فراهم آورند .

**قانون ۱۱: تفریحات و ورزش**

دولت ها می بایست اقداماتی اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که افراد معلول دسترسی مساوی به تفریحات و ورزش ها را دارند .

۱) دولت ها می بایست اقداماتی را اتخاذ نمایند تا مکان های تفریحی و ورزشی و همچنین هتل ها، سواحل، میادین مسابقه، استادیوم ها برای افراد معلول در دسترس باشد .

این اقدامات می بایست شامل حمایت از افرادی که در برنامه های تفریحی - ورزشی مثل پروژه های افزایش در دسترس بودن و شرکت در برنامه های آموزشی و اطلاع رسانی دخیل هستند؛ باشد .



۲) مسئولین صنعت توریسم، آژانس های مسافرتی، سازمان های داوطلبین و سایر افراد سازمان دهنده فعالیت های تفریحی یا مسافرتی می بایست سرویس های خود را به همه افراد از جمله افراد معلول که دارای نیازهای خاص می باشند؛ عرضه کنند. آموزش مناسب می بایست برای تسهیل این روند به کار گرفته شود .

### قانون ۱۲: مذهب

حکومت ها می بایست اقداماتی را حمایت کنند که موجب حضور مساوی افراد معلول در زندگی دینی جوامع اشان می شود .

۱) دولت ها می بایست ضمن مشاوره با صاحب منصبان دینی اقداماتی را برای حذف تبعیض و در دسترس درآوردن فعالیت های مذهبی برای افراد معلول انجام دهند

۲) دولت ها می بایست اطلاع رسانی در موضوعات مربوط به معلولیت در سازمان ها و مؤسسات مذهبی را ترغیب و تشویق کنند. دولت ها می بایست صاحب منصبان دینی را ترغیب نمایند که اطلاعات در مورد قوانین معلولیت را در برنامه های دینی و همچنین آموزش های دینی وارد نمایند .

۳) آنها می بایست دسترسی به ادبیات دینی را برای افراد با معلولیت حسی حمایت نمایند .

۴) دولت ها یا سازمان های مذهبی می بایست وقتی که اقدامات یکسان سازی حضور معلولین در فعالیت های مذهبی در حال توسعه می باشد با سازمان های معلولین مشاوره نمایند .

### III ( اقدامات اجرایی

#### قانون ۱۳: اطلاعات و تحقیق

دولت ها می بایست حداکثر مسئولیت را برای جمع آوری و انتشار اطلاعات در زمینه وضعیت زندگی افراد معلول داشته باشند و تحقیقات جامعی را در تمامی جنبه های معلولیت از جمله موانعی که زندگی یک معلولان را تحت تأثیر قرار می دهد؛ سازماندهی کنند .

۱) دولت ها می بایست در فواصل منظم، آمار وابسته به جنس و سایر اطلاعات به وضعیت زندگی افراد معلول را جمع آوری نمایند. این جمع آوری اطلاعات می تواند در سرشماری ملی، مطالعات خانگی منظور شده یا در همکاری نزدیک با دانشگاه ها، انستیتوهای تحقیقاتی و سازمان های معلولین در نظر قرار بگیرد .

این جمع آوری اطلاعات می بایست شامل سؤالاتی در زمینه برنامه ها و سرویس و میزان استفاده از آنها باشد .

۲) کشورها می بایست استقرار یک بانک اطلاعاتی را در زمینه معلولیت که تمام آمار سرویس ها و برنامه های در دسترس و همچنین گروه های مختلف معلولین را شامل می شود؛ مد نظر قرار دهند .

آنها می بایست نیاز به حفظ مسائل خصوصی افراد و حرمت شان را نیز در نظر قرار دهند .

۳) دولت ها می بایست برنامه های تحقیقاتی در زمینه مشارکت اقتصادی و اجتماعی که زندگی معلولین و خانواده های آنها را تحت تأثیر قرار دهد، پایه ریزی و حمایت کنند. این گونه تحقیقات می بایست شامل مطالعه به روی علل انواع و شیوع معلولیت ها و میزان در دسترس بودن و سودمند بودن برنامه های موجود و نیاز برای توسعه و ارزیابی سرویس ها و اقدامات حمایتی باشد .

۴) دولت ها می بایست ترمینولوژی و چارچوب هدایت مطالعات ملی را با همکاری سازمان های معلولین تدوین نموده و توسعه دهند .

۵) دولت ها می بایست حضور معلولین در این گونه جمع آوری اطلاعات و تحقیقات را تسهیل نمایند. برای اجرای چنین تحقیقاتی دولت ها باید اختصاصاً به کارگیری معلولین واجد شرایط را تشویق نمایند .

۶) دولت ها باید از تبادل یافته های تحقیقاتی و تجارب به دست آمده حمایت نمایند .

۷) دولت ها می بایست اقداماتی را اتخاذ کنند که اطلاع رسانی در زمینه معلولین در تمامی سطوح سیاسی و مدیریتی ملی، منطقه ای و محلی به عمل آید .

**قانون ۱۴: سیاستگذاری و برنامه ریزی**

دولت ها می بایست اطمینان حاصل کنند که در تمامی مراحل سیاستگذاری و برنامه ریزی ملی مرتبط به جنبه های مختلف معلولین منظور شده است .

( ۱ ) دولت ها می بایست برنامه کافی را برای افراد معلول در سطح ملی وضع نموده و عمل به آن را در سطوح منطقه ای و محلی حمایت و پشتیبانی نمایند .

( ۲ ) دولت ها می بایست سازمان های معلولین را در تمامی تصمیم گیری های مربوط به برنامه ها و طرح های معلولین یا آنهایی که وضعیت اقتصادی اجتماعی آنها را متأثر می سازند؛ دخیل نماید .

( ۳ ) نیازها و دغدغه های افراد معلول می بایست در برنامه های توسعه ملی منظور + شود و نباید به صورت جداگانه ای در دستور کار قرار بگیرند .

( ۴ ) در نهایت مسئولیت دولت ها برای وضعیت افراد معلول به معنی نداشتن مسئولیت برای دیگران نخواهد بود. هرکس در خدمت هر سرویس فعالیت و برنامه اطلاعاتی در جامعه می بایست ترغیب شود تا مسئولیت لازم را جهت قابل دسترس کردن این برنامه ها برای معلولین تقبل نماید .

( ۵ ) دولت ها می بایست توسعه جوامع و برنامه ها و اقدامات محلی برای افراد معلول را رواج دهند .  
یک راه انجام دادن این کار می تواند تدوین دستور العمل ها یا چک لیست ها و تدارک برنامه های آموزشی برای پرسنل محلی باشد .

**قانون ۱۵: قانونگذاری**

دولت ها مسئول به وجود آوردن اصول قانونی برای اقداماتی هستند که اهداف مشارکت و تساوی افراد معلول را تحقق ببخشد .

( ۱ ) قانونگذاری ملی متضمن حقوق و تکالیف شهروندان است و باید شامل حقوق و تکالیف افراد معلول نیز باشد. دولت ها ملزم هستند که افراد معلول را قادر سازند تا حقوق خود را شامل حقوق انسانی، حقوق مدنی، حقوق سیاسی و مشابه با سایر شهروندان به دست آورند .

دولت ها میبایست اطمینان حاصل نمایند که سازمان های معلولین در توسعه قانونگذاری مربوط به حقوق معلولین و نیز ارزیابی مداوم آن قانون ها دخیل می باشند .

( ۲ ) یک حرکت قانونگذاری ممکن است برای حذف شرایط نامطلوبی که زندگی معلولین را مورد تأثیر قرار داده باشد مثل اذیت و آزار و قربانی شدن؛ مورد نیاز باشد .

هر اقدام تبعیض آمیز بر علیه افراد معلول می باید حذف شود . قانونگذاری ملی می بایست تحریم مناسب بر علیه موارد نقص اصول مخالفت با تبعیض را اعمال کند .

( ۳ ) قانونگذار ملی در رابطه با افراد معلول ممکن است به دو صورت تظاهر پیدا کند .  
حقوق و تکالیف آنان ممکن است که در قانونگذاری کلی گنجانده شده باشد یا به صورت اختصاصی تهیه شده باشد.  
قانونگذاری اختصاصی برای افراد معلول ممکن است به چند نوع تحقق یابد :

الف - به وسیله اعمال قانونگذاری جداگانه که به صورت اختصاصی به موضوعات معلولین پرداخته باشد .

ب - به وسیله دخیل نمودن موضوعات معلولین در قانونگذاری و در موضوعات خاص .

ج - با اشاره به معلولین به صورت اختصاصی در ستونی که برای توضیح و تفسیر قانون فعلی به کار می رود .

ترکیبی از موارد فوق و حمایت هایی در قالب حرکت های تأیید کننده ممکن است مورد نظر قرار گیرند .

( ۴ ) دولت ها ممکن است ایجاد مکانیسم های قانونی و تنظیم شکایت برای دفاع از حقوق افراد معلول را مد نظر قرار دهند .

**قانون ۱۶: سیاست های اقتصادی**

دولت ها در رابطه با برنامه های ملی اقتصادی و اقدامات در جهت ایجاد فرصت های مساوی برای معلولین مسئول هستند .

۱) دولت ها می بایست موضوعات مربوطه را در بودجه معمول تمام زیر مجموعه های دولتی و در سطوح ملی و منطقه ای منظور دارند .

۲) دولت ها، سازمان های غیر دولتی و سایر واحدهای علاقمند می بایست در تعیین راهکارها، حداکثر اثر بخشی برنامه های حمایتی و سایر اقدامات مرتبط به افراد معلول مداخله نمایند .

۳) دولت ها می بایست استفاده از اقدامات اقتصادی ( مثل وام، معافیت مالیاتی، اعتبار، بودجه های اختصاصی و مشابه آن ) برای تسهیل و حمایت از مشارکت مادی معلولین را در اجتماع در نظر گیرند .

۴) به بسیاری از دولت ها توصیه می گردد تا بودجه ای برای معلولین اختصاص دهند تا بتوانند پروژه های پایلوت و برنامه های خودیاری در سطوح عادی جامعه حمایت کنند .

**قانون ۱۷: هماهنگی در کار**

دولت ها برای تقویت کمیته های ملی یا تشکیلات مشابه به عنوان هسته مرکزی مسائل معلولین مسئول هستند .

۱) کمیته های هماهنگی ملی و تشکیلات مشابه می بایست دائمی بوده و بر اساس تنظیمات مدیریتی، قانونی و مناسب بنیان گذاری شده باشند .

۲) مجموعه ای از نمایندگان سازمان های خصوصی و عمومی بهتر می توانند یک ترکیب بین بخشی و چند وظیفه ای داشته باشند .

نمایندگان می توانند از وزارتخانه های مرتبط، سازمان های معلولین و سازمان های غیر دولتی انتخاب شوند .

۳) سازمان های معلولین می بایست نقش قابل ملاحظه ای در کمیته ملی هماهنگی داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که باز خورد و نتیجه کافی از نظرات آنها حاصل شده است .

۴) کمیته ملی هماهنگی باید از اختیارات و منابع کافی برای جامه عمل پوشاندن به مسئولیت های خود در محدوده تصمیم گیری اش برخوردار باشد و نتیجه می بایست در بالاترین سطح دولتی گزارش شود .

**قانون ۱۸: سازمان های معلولین**

دولت ها میبایست حق سازمان های معلولین را برای معرفی افراد معلول در سطوح ملی، منطقه ای و محلی به رسمیت بشناسد. همچنین دولت ها می بایست نقش مشاوره ای سازمان های معلولین را در تصمیم گیری های موضوعات مرتبط با معلولین به رسمیت بشناسند .

۱) دولت ها می بایست تشکیل و تقویت سازمان های معلولین، خانواده ها و حامیان آنها را حمایت و تشویق نمایند. دولت ها می بایست حق این سازمان ها را برای ایفای نقش در توسعه سیاستگذاری معلولین به رسمیت بشناسند .

۲) دولت ها می بایست با سازمان های معلولین ارتباطات مداوم داشته باشند و از شرکت آنها در توسعه سیاستگذاری دولتی اطمینان حاصل نمایند .

۳) نقش سازمان های معلولین می تواند شناسایی نیازها، ارجحیت و شرکت کردن در برنامه ریزی، ارزیابی سرویس ها و اقدامات مرتبط با زندگی معلولین، مشارکت در افزایش آگاهی های اجتماعی برای پشتیبانی از تغییرات حمایتی باشد .

۴) سازمان های معلولین به عنوان برنامه های خودیاری، فرصت های توسعه مهارت در زمینه های مختلف، حمایت های دو جانبه بین اعضا و تبادل اطلاعات را تدارک دیده و حمایت می کند .

۵) سازمان های معلولین می توانند نقش مشاوره ای خود را به صورت مختلف، مثل داشتن نماینده دائم در هیئت های آژانس های دولتی، کمیسیون های اجتماعی و تدارک اطلاعات تخصصی در پروژه های مختلف ایفا نمایند .

۶) نقش مشاوره ای سازمان های معلولین می بایست استمرار داشته باشد تا تبادل نقطه نظرات و اطلاعات بین دولت و سازمان ها، توسعه یافته و عمیق شود .

۷) سازمان ها می بایست به صورت دائم در کمیته هماهنگی ملی یا تشکل های مشابه نماینده داشته باشند .

۸) نقش سازمان های محلی معلولین می بایست توسعه یابد و تقویت شود تا اطمینان حاصل شود که آنان در سطح جامعه بر موضوعات مربوطه تأثیر گذار هستند .

### قانون ۱۹: آموزش کارکنان

دولت ها باید اطمینان حاصل نمایند که کارکنان در تمامی سطوح برنامه ریزی و اجرای طرح ها و سرویس های مربوط به معلولین آموزش کافی را کسب می نمایند .

۱) دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که تمامی صاحب منصبانی که سرویس های مربوط به معلولین را ارائه می دهند به کارکنان خود نیز آموزش های لازم را می دهند .

۲) در آموزش افراد و تهیه اطلاعات در مورد معلولین در برنامه های آموزش عمومی اصل مشارکت و تساوی می بایست به صورت مناسبی منعکس گردد .

۳) دولت ها می بایست برنامه های آموزشی را ضمن مشاوره با سازمان های معلولین توسعه دهند و افراد معلول در این گونه موارد باید به عنوان معلم، مربی یا مشاور در آموزش کارکنان دخالت داشته باشند .

۴) آموزش کارگران جامعه به خصوص در کشورهای در حال توسعه اهمیت استراتژیک دارد و در این مورد افراد معلول می بایست دخالت داشته باشند و این برنامه می بایست شامل ارتقاء کیفی مناسب، بهبود کیفیت و تکنولوژی و مهارت ها باشد که می تواند توسط افراد معلول، والدین و خانواده ها و افراد جامعه انجام شود .

### قانون ۲۰: نظارت ملی و ارزیابی برنامه های معلولیت در اجرای قوانین

دولت ها مسئول هستند تا بر اجرای برنامه های ملی و سرویس های مرتبط با یکسان سازی فرصت ها برای افراد معلول نظارت و ارزیابی نمایند .

۱) دولت ها می بایست به صورت دوره ای و سیستماتیک برنامه های معلولیت را ارزیابی نموده و هم اصول و هم نتایج ارزیابی ها را منتشر نمایند .

۲) دولت ها می بایست ترمینولوژی و جدول ارزیابی برنامه های مربوط به معلولیت را توسعه داده و تحکیم بخشند .

۳) این گونه جداول و ترمینولوژی می بایست در همکاری نزدیک با سازمان های معلولین آن هم از ابتدایی ترین مراحل طرح و برنامه ریزی گسترش پیدا کنند .

۴) دولت ها می بایست در همکاری های بین المللی برای توسعه استانداردهای مشترک در ارزیابی های ملی مربوط به معلولیت همکاری نمایند. همچنین دولت ها می بایست کمیته های هماهنگی ملی را به مشارکت تشویق کنند .

۵) ارزیابی طرح های مختلف در زمینه معلولیت می بایست در مرحله برنامه ریزی انجام شود تا تأثیر کلی آن در برآوردن اهداف و سیاست ارزیابی شود .

### قانون ۲۱: همکاری های فنی و اقتصادی

دولت ها هم در کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه مسئول هستند برای بهبود وضعیت زندگی افراد معلول در کشورهای در حال توسعه همکاری نموده و اقداماتی اتخاذ نمایند .

۱) اقداماتی که برای دستیابی به مساوی سازی فرصت های افراد معلول انجام می شود شامل مهاجرین معلول می بایست در برنامه های توسعه عمومی وارد شود .

۲) اینگونه اقدامات می بایست به تمامی انواع همکاری های فنی و اقتصادی، دو جانبه و چند جانبه دولتی و غیر دولتی الحاق گردد. دولت ها می بایست موضوع معلولیت را در مباحث مطرح شده در همکاری با همتایان شان وارد نمایند .

۳) وقتی که برنامه ریزی و بازبینی طرح های همکاری های فنی و اقتصادی انجام می شود باید به تأثیر اینگونه برنامه ها بر وضعیت افراد معلول توجه ویژه مبذول گردد .

این مسئله اهمیت حیاتی دارد که معلولین و سازمان های آنها می بایست در هر پروژه توسعه که برای معلولین طراحی می شود طرف مشورت قرار گیرند. آنها می بایست به صورت مستقیم در توسعه، اجرا و ارزیابی های این گونه پروژه ها حضور داشته باشند .

(۴) موارد با اهمیت در همکاری های فنی و اقتصادی می بایست شامل موارد زیر باشد :

الف - توسعه منابع انسانی از طریق توسعه مهارت ها، توانائی ها و ظرفیت های معلولین. شروع به فعالیت های مولد " اشتغال زا " برای افراد معلول

ب - توسعه و گسترش مناسب تکنولوژی و دانش های مربوط به معلولین

(۵) دولت ها تشویق می شوند تا تشکیل سازمان های معلولین و استحکام آنها را حمایت کنند .

(۶) دولت ها می بایست اقداماتی اتخاذ نمایند تا دانش مرتبط با معلولیت در میان تمامی کارکنانی که در تمامی سطوح مدیریتی در برنامه های فنی و اقتصادی دخالت دارند؛ افزایش یابد .

### قانون ۲۲: همکاری های بین المللی

دولت ها به صورت فعال در همکاری های بین المللی مرتبط با سیاست های یکسان سازی فرصت ها برای افراد معلول شرکت خواهند نمود .

(۱) در سازمان ملل، آژانس های تخصصی و سایر سازمان های مرتبط با دولت ها می بایست در توسعه سیاست های معلولیت شرکت نمایند .

(۲) دولت ها می بایست در موقعیت های مناسب جنبه های مختلف معلولیت را در مباحث عمومی مربوط به استانداردها، تبادل اطلاعات، برنامه های توسعه و غیره مطرح نمایند .

(۳) دولت ها می بایست تبادل اطلاعات و تجارب را در میان :

الف - سازمان های غیر دولتی مربوط به امور معلولین

ب - موسسات تحقیقاتی و محققین مرتبط با امور معلولین

ج - نمایندگان گروه های تخصصی فعال در زمینه معلولیت

د - سازمان های معلولین

ه - کمیته های هماهنگی ملی

ترغیب نمایند .

(۴) دولت ها می بایست اطمینان حاصل نمایند که سازمان ملل و آژانس های تخصصی و نیز تشکل های وابسته به دولت و مجالس در سطح بین المللی و منطقه ای، سازمان های بین المللی و منطقه ای معلولین را در کار خود وارد نموده است .

### IV مکانیسم نظارتی

(۱) هدف یک مکانیسم نظارتی، افزایش اجرای مؤثر قوانین است تا هر دولتی را در ارزیابی نمودن سطح اجرای قوانین و در سنجش پیشرفت های آن یاری نماید . این مکانیسم نظارتی می بایست موانع را شناسائی نماید و اقداماتی را که اجرای موفق قوانین را تسهیل می کند؛ پیشنهاد دهد .

مکانیسم نظارتی مدل های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در هر جامعه را شناسائی خواهد نمود. یک بخش مهم می بایست به وجود آوردن سرویس های مهم و تبادل تجارب و اطلاعات بین دولت ها باشد .

(۲) قوانین می بایست در چارچوب جلسات کمیسیون توسعه اجتماعی ارزیابی شوند. در صورت نیاز می بایست یک گزارشگر ویژه با تجربه زیاد مرتبط با امور توانبخشی و سازمان های دولتی تعیین گردد تا با منابع مالی خارج از بودجه جاری، به مدت ۳ سال برای نظارت بر اجرای قوانین، انجام وظیفه نمایند .

(۳) سازمان های بین المللی معلولین که دارای مقام مشورتی از معاونت اقتصادی اجتماعی هستند و سازمان هایی که نماینده معلولین می باشند ولی هنوز سازمان ایشان کاملاً شکل نگرفته است می بایست دعوت شوند تا بین خود

میزگردی از خبرگان داشته باشند و در آن سازمان های معلولین می بایست که از اکثریت برخوردار باشند و انواع مختلف معلولیت ها و توزیع جغرافیایی باید در نظر قرار گرفته شود تا توسط گزارشگر ویژه و در زمان مناسب و توسط دبیر کل طرف مشاوره قرار گیرند .

(۴) هیئتی مشکل از خبرگان می بایست به وسیله گزارشگر ترغیب شود تا نتایج و پیشنهادات مرتبط به پیشرفت، اجرا و نظارت قوانین مورد بازبینی و توصیه قرار گیرد .

(۵) گزارشگر می بایست یک مجموعه از سؤالات را که در سیستم سازمان ملل، سازمان های وابسته به دولت ها و سازمان های غیر دولتی از جمله سازمان های معلولین طرح می شود را به دولت ها ارسال نماید .

این سؤالات می بایست بیانگر برنامه های اجرایی قوانین در دولت ها باشد. سؤالات می بایست به صورت ذاتی، گزینش شده باشد و یک تعداد از قوانین اختصاصی را به شکل عمقی پوشش دهند. گزارشگر می بایست در تهیه سؤالات با هیئت خبرگان و دبیرخانه مشورت نماید .

(۶) گزارشگر می بایست نه تنها با دولت ها بلکه با سازمان های غیر دولتی مرتبط باشد و نقطه نظرات و توصیه های مستند آنان را در گزارشات دنبال نماید .

گزارشگر می بایست سرویس های مشورتی را برای استقرار، نظارت و مساعدت به آماده سازی سؤالات جمع آوری شده، تدارک ببیند .

(۷) دپارتمان هماهنگی سیاستگذاری و دپارتمان توسعه پایدار دبیرخانه به عنوان نقطه محوری سازمان ملل متحد در موضوع معلولیت برنامه توسعه سازمان ملل و سایر عوامل و مکانیسم های سیستم سازمان ملل متحد مثل کمیون های منطقه ای و آژانس های تخصصی گروه های داخلی می بایست با گزارشگر در اجرا و نظارت قوانین در سطح ملی همکاری نمایند .

(۸) گزارشگر که به وسیله دبیرخانه، همیاری می گردد می بایست گزارشات را جهت تسلیم نمودن به کمیون توسعه اجتماعی در سی و چهارمین و سی و پنجمین جلسه آماده نماید. در آماده سازی این گونه گزارشات، گزارشگر می بایست با هیئت خبرگان مشورت نماید .

(۹) دولت ها می بایست کمیته های هماهنگی ملی یا تشکیلات مشابه را برای شرکت در اجرا و نظارت ترغیب نمایند. به عنوان نقطه محوری در موضوعات معلولیت در سطح ملی آنها می بایست تشویق گردند تا پروسه هایی را برای هماهنگ نمودن اجرای قوانین ایجاد نمایند. سازمان های معلولین می بایست ترغیب شوند تا به طور فعال در نظارت این روند در تمامی سطوح شرکت کنند .

(۱۰) اگر منابع خارج از بودجه جاری تأمین گردید یک یا چند نفر از مقامات مشاور در زمینه قوانین در سطح منطقه می بایست سرویس های مستقیم را برای دولت ها و به شرح زیر ایجاد کنند :

ا - سازماندهی سمینارهای ملی و منطقه ای با موضوعیت قوانین .

ب - توسعه بخشیدن به راهنمایی ها برای کمک به استراتژی های مبنی بر اجرای قوانین .

ج - اطلاع رسانی در مورد بهترین شیوه اعمال نمودن و اجرای قوانین .

(۱۱) در سی و چهارمین جلسه کمیون توسعه اجتماعی می بایست یک گروه کاری را برای ارزیابی گزارش گزارشگر و ارائه توصیه ها در جهت بهبود اعمال قوانین به وجود آورد .

در ارزیابی گزارش گزارشگر کمیون از طریق گروه کاری فوق می بایست با سازمان های بین المللی معلولین و آژانس های تخصصی طبق قانون ۷۱ و ۷۶ مجموعه قوانین در روند فعالیت و عملکرد کمیون های معاونت اقتصادی و اجتماعی، مشورت نماید .

در جلسه ای که متعاقب پایان دوره گزارشگر تشکیل می شود کمیون می بایست امکان تجدید دوره مربوطه را مورد بررسی قرار دهد. یک گزارشگر جدید تعیین نماید یا یک مکانیسم نظارتی دیگر را مد نظر قرار دهد. وی می بایست توصیه های لازم را به معاونت اقتصادی - اجتماعی ارائه دهد .

( ۱۲ ) دولت ها می بایست ترغیب شوند که به صندوق داوطلبی معلولین سازمان ملل کمک نمایند تا اجرای قوانین توسعه یابد .

### ۳ - اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین الملل را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند، از آنجا که دولتهای عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند، از آنجا که حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می کند تا جمیع افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایایی که در قلمرو آنها می باشند، تامین گردد .

ماده اول :

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند . همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند .

ماده دوم :

( ۱ ) هر کس میتواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه ی آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد .

( ۲ ) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد . خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا خود مختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد .

ماده سوم :

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد .

ماده چهارم :

احدی را نمی توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است .

ماده پنجم :

احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد .

ماده ششم :

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود .

ماده هفتم :

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند . همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند .

ماده هشتم :

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله ی قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد ، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه را دارد .

ماده نهم :

احدی را نمی توان خودسرانه توقیف ، حبس یا تبعید نمود .

ماده دهم :

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیله ی دادگاه مستقل و بی طرف ، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره ی حقوق و الزامات او و یا هر اتهام جزائی که به او وارد شده باشد تصمیم بگیرد .

ماده یازدهم

۱) هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که کلیه تضمین های لازم جهت دفاع او تامین شده باشد ، تقصیر او قانوناً محرز گردد .

۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب ، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد . به همین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در باره ی احدی اجرا نخواهد شد .

ماده دوازدهم :

احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا مکاتبات خود ، نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد . هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد .

ماده سیزدهم :

۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند .

۲) هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به آن بازگردد .

ماده چهاردهم :

۱) هر کس حق دارد در مقابل شکنجه ، آزار و تعقیب پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه گزیند .

۲) در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مغایر با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نمیتوان از این حق استفاده کرد .

ماده پانزدهم :

۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد .

۲) احدی را نمی توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد .

ماده شانزدهم :

۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند . در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند .

۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود .



ماده هفدهم :

۱) هر کس منفرداً یا بطور دسته جمعی حق مالکیت دارد .

۲) احدی را نمی توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود .

ماده هیجدهم :

هر کس حق دارد که از آزادی فکر ، وجدان و مذهب بهره مند شود . این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است . هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود .

ماده نوزدهم : هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشت عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد .

ماده بیستم :

۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد .

۲) هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد .

ماده بیست و یکم :

۱) هر کس حق دارد در اداره ی امور عمومی کشور خود ، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید .

۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید .

۳) اساس و منشاء قدرت حکومت اراده ی مردم است . این اراده باید به وسیله ی انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تضمین نماید .

ماده بیست و دوم :

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیله ی مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه ی مقام و نمو آزادانه ی شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد .

ماده بیست و سوم :

۱) هر کس حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد .

۲) همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کنند .

۳) هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید .

۴) هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا در اتحادیه ها شرکت کند .

ماده بیست و چهارم :

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباشد .

ماده بیست و پنجم :

۱) هر کس حق دارد که سطح زندگانی او ، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضاء ، بیوگی ، پیری یا تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده ی انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد ، از شرایط آبرومندانه ی زندگی برخوردار شود .

۲) مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده بیست و ششم:

۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گیرند.

۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت و احترام به عقیده ی مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه ی فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.

۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده بیست و هفتم:

۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنر ها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده بیست و هشتم:

هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادی های را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تامین کند و آنها را به مورد اجرا گذارد.

ماده بیست و نهم:

۱) هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند.

۲) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود فقط تابع محدودیت هایی است که به وسیله قانون و منحصراً به منظور تامین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه ی دمکراتیک وضع گردیده است.

ماده سی ام:

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیتی نمایند.

فصل دوم:

# چگونگی حقوق معلولین در دیگر نقاط دنیا

## ۱- ایالات متحده آمریکا

### جامعه و قوانین آمریکا حامی حقوق افراد معلول هستند

پیتر بلانک استاد دانشگاه و مدیر کل مؤسسه برتون بلات دانشگاه سیراکوز می باشد. او در جریان پیش نویس و تصویب قانون آمریکایی های دارای معلولیت حضور داشته و در کنگره برای این موضوع گواهی داده و از موارد حقوقی مربوط به آن در دیوان عالی ایالات متحد دفاع نموده است. او به طور گسترده ای درباره این موضوع نوشته و سخنرانی کرده است.

در ایالات متحد با گذشت سال ها، شناخت و آگاهی، تعاریف حقوقی، و طرز نگرش در مورد معلولیت و افراد معلول دگرگون شده است. معلولیت، معمولاً به منزله یک نقص دیده می شد که مانع از شرکت یک فرد در فعالیت های "عادی" زندگی می شد. این معلولیت ممکن بود یک مشکل جسمی یا ذهنی مادرزادی و یا حاصل پیشامد یا عارضه ای بعدی باشد. طرز برخورد با این مسئله از میل به حمایت از شخص گرفته تا نگرانی از این که توانایی های این فرد و در نتیجه ارزش او ممکن بود از سر شرم و سرکوفت خود یا خانواده اش، تنزل پیدا کند، متفاوت بوده است. در بسیاری موارد، شخص در خانه یا مؤسسه ای محبوس می شد و تعاملی با جامعه به طور کلی نداشت؛ و در غالب موارد، معلولیت به مثابه عارضه ای عاجز کننده و دائم تلقی می شد که امکان بهبودی آن با معالجه یا بهتر شدن آن از طریق کمک و مساعدت وجود نداشت.

در ایالات متحده، نخستین تعریف رسمی از معلولیت زمانی داده شد که تعداد زیادی سرباز مصدوم از جنگ های داخلی (۱۸۶۱-۱۸۶۵) باز گشتند. طبق قانون بازنشستگی جنگ داخلی، به سربازان سابق ارتش اتحادیه (شمالی ها) که دچار نقص عضو شده بودند، براساس "عدم توانایی در انجام کارهای یدی" حقوق بازنشستگی تعلق می گرفت. این الگو، معلولیت را عارضه ای تعریف می کرد که مانع از شرکت فعالانه در جامعه (و امرار معاش) می شد. معلولیت های مختلف به طور یکسان در نظر گرفته نمی شدند؛ بعضی بیماری های ننگ آور، اختلالات روانی، و بیماری های مسری ارزش دریافت کمک را نداشتند، و با افرادی که این گونه بیماری ها را داشتند تبعیض آمیز رفتار می شد.

صد سال بعد، در دهه ۱۹۶۰، سازمان تأمین اجتماعی برآن شد تا حمایت بیشتری از گروه وسیعی از افرادی که در فقر زندگی می کردند و یا دچار معلولیت بودند به عمل آورد. اما این برنامه ها هم در برابر کسانی که قادر نبودند در فعالیت های عادی شرکت کنند رویکردی تبعیض آمیز داشتند، به طوری که به توانایی های فرد توجه بیشتری می شد و این که چگونه می تواند خود را با دنیای افراد بدون معلولیت تطبیق دهد، مضافاً بر این که، در مورد افرادی که از خدمات و برخی منافع استفاده می کردند قضاوت های شخصی صورت می گرفت.

### تغییر نگرش

چند سال بعد، در دهه ی ۱۹۷۰، افراد دچار معلولیت به منزله یک گروه اقلیت در داخل جامعه تلقی شدند- گروهی که مانند دیگر اقلیت ها دارای حقوق مدنی و خواهان برابری بود. این الگوی حقوقی باعث شد که معلولیت در چارچوبی تازه در نظر گرفته شود، چارچوبی که براساس شمول، اختیار و استقلال اقتصادی پایه گذاری شده بود. مدافعان این نظریه ی جدید به زودی دریافتند که قوانین تازه ای لازم بود تا حقوق و منافع این گروه را تأمین کند. این الگوی جدید، قوانینی چون امکان شرکت در انتخابات، مسافرت های هوایی، استقلال در تحصیل و انتخاب محل سکونت را تضمین می کرد و منجر به پدید آمدن قانون آمریکایی های دارای معلولیت (ADA) گردید. ADA که تبدیل به یک شیوه رسمی برای بیان

این گونه مسائل و امور گردید، در عین حال منعکس کننده تغییر و تحول در طرز نگرش و برخورد با موضوع معلولیت هم شد.

با پدید آمدن **ADA**، مردم نه تنها شروع به ساختن ساختمان هایی نمودند که برای معلولین قابل دسترسی باشد، بلکه در پی راه هایی بودند تا این افراد بتوانند همراه با دیگران در تمام ابعاد زندگی روزمره شرکت داشته باشند. **ADA** که دارای نفوذی پر دامنه است، در مدارس، محیط های کاری، جوامع محلی و امکانات همگانی، نیز ادارات دولتی و خدمات بهداشتی و اجتماعی دخیل می باشد. در عمل به این طرز نگرش جدید، تغییراتی در طرز استفاده از واژگان هم صورت گرفت: مثلاً، به جای گفتن یک فرد معلول از اصطلاح فردی دارای معلولیت استفاده می شود؛ در عوض صحبت از عادی بودن، از داشتن توانایی های گوناگون صحبت می شود؛ دانش آموزانی که در نحوه یادگیری متفاوت هستند، به جای معلولیت در یادگیری. علاوه بر این سعی شده که معلولیت طوری تعریف شود که حاکی از تفاوت در یادگیری و پردازش اطلاعات، محدودیت های جسمی و دیگر شرایطی باشد که باعث جلوگیری از شرکت فرد در فعالیت های اصلی زندگی است.

بسیاری از افراد و گروه ها، سال ها تلاش کردند تا پیش نویس این قانون تهیه و نهایتاً تصویب شود. مقدمه این قانون، بیانگر اهداف کشور در رابط با افراد دارای معلولیت است و "تساوی امکانات، شرکت همه جانبه، زندگی مستقل، و خود کفایی اقتصادی" آنان را تضمین می کند. هنگامی که پرزیدنت جورج ایچ. دبلیو بوش این قانون را در ژوئیه ۱۹۹۰ به امضا رساند، چنین گفت، " یک تجدید میثاق نه تنها با افراد دارای معلولیت، بلکه همه ما با هم، زیرا ما در کنار امتیاز آمریکایی بودن وظیفه ای مقدس به عهده داریم، و آن اطمینان حاصل کردن از این است که حقوق هر فرد آمریکایی حفظ و تضمین گردد."

متن قانون به زیر مجموعه هایی تقسیم شده که ماده نامیده می شوند. هر ماده شماره گذاری شده و مربوط به مسائل یا حقوق و مجوز مخاطبان می باشد.

### ADA در عمل

طبق ماده شماره یک **ADA**، تبعیض گذاری کارفرما هنگام استخدام فردی دارای معلولیت مخالف قانون است. ماده شماره دو، شامل تبعیض گذاری های دولت محلی یا دولت فدرال است. ماده شماره سه، تبعیض در مکان های عمومی - هتل ها، رستوران ها، پاساژ ها و فروشگاه ها، و غیره را ممنوع اعلام می کند. ماده شماره چهار، دست اندرکاران ارتباطات راه دور را موظف می کند خدمات قابل دسترس برای افراد دارای معلولیت فراهم نمایند. من افتخار می کنم که در صف مقدم احقاق حقوق افراد دارای معلولیت خدمت کرده ام. موارد زیر، از تلاش افرادی حکایت می کند که در راه تساوی مشارکت در جامعه مبارزه کرده اند.

من با دان پ. و خانواده اش در یک کارگاه سرپوشیده، در ویسکانسین آشنا شدم. کارگاه سرپوشیده، یعنی مکانی که افراد دارای معلولیت جسمی و ذهنی در آن به فراگیری مهارت های کاری می پردازند و نیز تجربه کاری کسب می کنند. دان فردی حدوداً پنجاه سال است که دارای معلولیت ذهنی می باشد. دان در یک رستوران به عنوان سرایدار و نظافتچی مشغول به کار بوده است. او کارش را به نحو احسن انجام می داد و همکاری اش از کار کردن با او بسیار راضی بودند. یک روز که مسئول منطقه برای بازدید از رستوران آمده بود، با دیدن دان که به کار مشغول بوده، از سرپرست محلی به دلیل استخدام "آدم های این جور" انتقاد می کند. مسئول منطقه، بعد از بازگشت به رستوران، علیرغم مخالفت های سرپرست محلی، دان را اخراج می کند. سرپرست محلی و کارکنان رستوران در اعتراض به این قضیه، استعفا دادند.

هنگام محاکمه بر اساس ماده شماره یک قوانین **ADA**، وکیل مدافع این طور استدلال می کرد که دان مناسب آن کار نبوده و شرکت، هیچ گونه تبعیضی در برابر او اعمال نکرده است. وقتی نوبت به شهادت من رسید، از خفتی صحبت کردم که افرادی مانند دان در محیط کار خود با آن دست به گریبانند. دان در کار خود هیچ بی لیاقتی نشان نداده بود؛ و تقصیر با طرز برخورد مدیریت بوده است. هیئت منصفه به این نتیجه رسید که رستوران، قوانین **ADA** را رعایت نکرده و دریافت مبلغ ۷۰,۰۰۰ دلار را به عنوان حقوق معوقه و جبران خسارت برای دان تعیین کرد. هیئت منصفه برای اثبات این که تبعیض به دلیل معلولیت اصلاً موجه نیست، مبلغ ۱۳ میلیون دلار هم به عنوان غرامت برای دان در نظر گرفت، تا آن زمان این بیشترین مبلغی بود که از سوی یک هیئت منصفه برای جبران خسارت شغلی تعیین شده بود.

طبق ماده شماره دو قانون **ADA**، خدمات ایالت و دولت محلی باید در دسترس افراد دارای معلولیت باشد. یکی از تبصره های ماده شماره دو این است که سازمان های دولتی برنامه های مربوط را باید در محیط هایی بدون تبعیض ترتیب دهند. در دادگاه اولمستد برابر زیرینگ (۱۹۹۹)، دیوان عالی حکم این عدم تبعیض را لحاظ نمود. دو زن که عقب ماندگی ذهنی داشتند، با استفاده از ماده شماره دو از ایالت جورجیا، به دلیل این که خدمات لازم در محیط یک مؤسسه ارائه شده بود، و نه آن طور که باید، در محیط آشنای محلی، شکایت کردند. دست اندر کاران به این نتیجه رسیدند که ارائه خدمات در یک محیط محلی ( تحت معالجه قرار گرفتن در جایی نزدیک به منزل و خانواده آن ها، در عوض جا به جا کردن و بردن آنان به یک مؤسسه درمانی دور دست) برای شرایط آن ها مناسب تر بود اما امکان آن وجود نداشته است. دیوان عالی این موضوع را تبعیض آمیز تلقی کرده و دستور داد که ایالت به ارائه خدمات محلی بپردازد.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، من مانند خیلی کسان دیگر، با اقامه دعوا در پی فراهم کردن تسهیلاتی هر چه مناسب تر برای افراد دارای معلولیت بودم، سعی داشتیم تا جایی که ممکن بود امکاناتی برای اقامت افراد محتاج به کمک در محل زندگی خود فراهم کنیم. سارا ک. را در سال ۱۹۹۱ ملاقات کردم، در آن زمان او در بخش مراقبت های بهداشتی مدرسه حرفه ای وایومینگ اقامت داشت. سارا قسمت اعظم عمر کوتاه خود را در بیمارستان این مدرسه گذرانده بود. او یک دختر بچه ده ساله ی باهوش و سر حال بود که فتق نخاع داشت و در شرایط خوبی به سر نمی برد. حکم دادگاه در مورد این پرونده این بود که سارا از جمله اولین افرادی خواهد بود که به یک محیط محلی انتقال خواهند یافت. پدر و مادر سارا نگران بودند، اما با ترک کردن بیمارستان به این قیمت که او در خانه خودش زندگی کند موافقت کردند. بقیه داستان خیلی جالب است. سارا خود را با زندگی در خانه وفق داد و در کلاس های عادی درس شکوفا شد. چند سال پیش از آن سارا مجبور بود زندگی خود را در تخت بیمارستان یک مدرسه حرفه ای در یک نقطه دور افتاده وایومینگ سپری کند. نتیجه این تحول این بود که او حالا یک زندگی معمولی تر داشت؛ در کنار خانواده، همکلاسی ها، و جامعه آشنای خودش بود، و می توانست برای رسیدن به یک آینده روشن تر به جلو حرکت کند.

در ژانویه سال ۲۰۰۱، سارا از دنیا رفت. او پانزده سال داشت. باب کلابی، مدیر برنامه های محلی وایومینگ، به من این طور نوشت: "من معتقدم مدت زمانی را که ما روی این کره خاکی می گذرانیم، از این که با وقتی که در اختیار داریم چه کار می کنیم کمتر اهمیت دارد؛ و سارا منبع الهام خیلی ها بود- مخصوصاً تو و من."

## آینده

الگوی حقوقی **ADA** برای افراد دارای معلولیت به موفقیت نزدیک است. این الگو باعث اتحاد کشورهای جهان در راه یافتن تدابیری هر چه مناسب تر برای افراد دارای معلولیت است. در تابستان ۲۰۰۶، مجمع سازمان ملل در مورد حقوق افراد دارای معلولیت تشکیل شد و یک پیمان بین المللی جهت حقوق بشر مربوط به افراد دارای معلولیت را به تصویب رساند.

**ADA** در ایالات متحده مساعدت می کند تا تبعیض ها کاهش یابند و کارفرما ها را تشویق به تهیه مسکن برای افراد دارای معلولیت در محیط کار می نماید. نظرخواهی هریس در مورد آمریکایی های دارای معلولیت که توسط سازمان ملی برای معلولیت (N.O.D.) در سال ۲۰۰۴ انجام شد، نشان می داد که در صد گزارشات مربوط به اعمال تبعیض هنگام کار در خصوص افراد دارای معلولیت، در چهار سال گذشته به نحو چشمگیری کاهش یافته است. منافع اقتصادی شرکت ها، ناشی از استخدام یا اسکان افراد دارای معلولیت در محل کار، امری مستند است.

حکم عدم تبعیض در ماده شماره دو **ADA** شامل حال هزاران تن شده است. در دادگاه تنسی ضد لین (۲۰۰۴)، جورج لین که دچار معلولیت جسمی است، در یک پرونده مربوط به راهنمایی و رانندگی متهم شناخته شده بود. او برای شرکت در دادگاه که در ساختمانی بدون آسانسور واقع بود، باید دو رشته پلکان را چهار دست و پا بالا می رفت. برای موعد دادگاه بعدی او از این کار امتناع کرد. او به خاطر حق دسترسی به دادگاه که حق مسلم او بود شکایت کرد. در داوری نهایی که به نفع او قضاوت شده بود، دیوان عالی آمریکا اعلام داشت که ماده شماره دو ایجاب می کند که ایالات در مورد افراد دارای معلولیت تبعیض قائل نشده، و حق آن ها برای حضور در دادگاه را رعایت کنند.

مفاد ماده شماره سه در **ADA** واضح و روشن است - مراکز خرید و پاساژ ها، دفاتر اداری و مراکز کسب از قبیل هتل ها حق ندارند در مورد افراد دارای معلولیت تبعیض قائل شوند. قابلیت دسترسی به مکان های عمومی رو به افزایش است. دسترسی به اینترنت نیز با استفاده از ماده شماره سه، کاری است که در دست اقدام می باشد؛ به عنوان مثال، تارنما ها با نرم افزاری کار می کنند که افراد نابینا بتوانند صفحه را بخوانند. تارنما های متعلق به سازمان های دولتی که دارای مخاطبان عمومی هستند باید از یک سلسله استاندارد ها برخوردار باشند تا قابل دسترس شناخته شوند.

من روی آمریکایی های دارای معلولیت و درخواست آن ها برای رسیدن به حقوق مدنی خود در گذشته، حال و آینده دست گذاشتم. برخی از شیوه های نگرش، دیر از بین می روند، و امروزه هنوز بعضی افراد باید با خفت معلولیت دست و پنجه نرم کنند، این نه فقط از سوی محیط کار و دولت به آن ها تحمیل می شود، بلکه از طرف همکاران و حتا اعضای خانواده خود هم تحت فشار هستند.

من با یکی از همکاران، در امر حضانت دو پسر بچه به نام های مایک و سام، سمت مشاور را داشتم. مایک مبتلا به اوتیسم (در خود فرو رفتگی) بود و در کلاس هایی شرکت می کرد که نیاز های آموزشی و اجتماعی او را برآورده کند. در دادگاه مربوط به طلاق والدینشان، پدر به قاضی گفت که به نظر او اوتیسم مایک باعث عقب افتادن رشد سام شده است. او درخواست حضانت سام را داشت. قاضی به درخواست او پاسخ مثبت داد، و بچه ها از هم جدا شدند. تصمیم دادگاه مبنی بر جدا کردن این دو کودک براساس یک پیش فرض ثابت نشده، یعنی تأثیر منفی وجود یک کودک مبتلا به اوتیسم در خانواده بود. دادگاه تقصیر را گردن تربیت مادر نینداخت اما به حق این دو برادر برای زندگی در کنار یکدیگر اهمیت نداد.

ما در مورد حکم قاضی استیناف دادیم، و دادگاه استیناف کالیفرنیا با موضع ما موافقت کرد. بهم پیوستن دوباره این دو برادر به ما یادآوری می کند که برای احقاق حق معلولیت نه تنها باید با پیش داوری ها مبارزه کرد، بلکه بر موانع جسمی هم باید غلبه نمود. من در مورد رسیدن به آرمان های **ADA** خوشبین هستیم. زندگی کودکان دارای معلولیت نسل آینده در گرو طرز نگرش و توجه ما به این مسائل خواهد بود. بر خلاف کودکان قبل از خود، بچه های ما جهانی خالی از **ADA** را نخواهند شناخت، جهانی که برابری در آن حاکم خواهد بود.

## ۲- واتیکان

واتیکان پیمان نامه سازمان ملل برای حقوق معلولین را امضا نمی کند

- واتیکان سند مربوط به حقوق معلولین ارائه شده از سوی سازمان ملل را امضا نخواهد کرد . روزنامه ایتالیایی "لاریوبلیکا" در شماره روز جمعه خود نوشت: پاپ با پیمان نامه سازمان ملل درباره حقوق معلولان مخالفت کرده است . دفتر مطبوعاتی واتیکان در یادداشتی دلیل این مخالفت را وجود " اشاره صریح به امکان سقط جنین نوزادان معلول در ایوان سنسند" خواند .
- این تصمیم واتیکان باعث تعجب اعضای سازمان ملل شد زیرا هیات واتیکان در سازمان ملل در تهیه این پیماننامه مک بسویار کرده بود .
- واتیکان افزود: از آغاز سال ۲۰۰۲ بطور فعال در تهیه این سند شرکت کرده بودیم و اشاره های واضحی مبنی بر احترام به حق زندگی و برسمیت شناختن نقش خانواده در زندگی افراد معلول کردیم و در این سند گنجانیدیم . تغییر رفتار واتیکان زمانی بود که ماده های ۲۳ و ۲۵ در این متن گنجانده شدند .
- این سند که روز ۲۲ آذر ماه گذشته تصویب شده است ، باید از دهم فروردین ماه آینده به امضای دولت ها برسد .

## ۳- ژاپن

همزیستی با معلولان از نگاه ژاپنی ها یک امر طبیعی است

- تازه ترین نظرسنجی که سازمان نخست وزیری ژاپن انجام داده است نشان می دهد که نزدیک به ۸۵ درصد از مردم این کشور خواهان آن هستند که در جامعه فضایی ایجاد شود تا در آن افراد معلول بتوانند در کنار افراد سالم به طور برابر همزیستی کنند .
- به گزارش پایگاه اطلاعاتی سازمان نخست وزیری ژاپن، این نظرسنجی نشان داده است که ۹/۸۲ درصد از پاسخ دهندگان ژاپنی بر این باور هستند که در جامعه امروزی در زمینه های مختلف افراد معلول نسبت به افراد سالم در تبعیض قرار دارند .
- در این نظرسنجی ۲/۵۷ درصد از پاسخ دهندگان ژاپنی گفته اند، تدابیر اندیشیده شده در ژاپن سبب شده تا نسبت به پنج سال گذشته، تبعیض نسبت به افراد معلول کمتر شده و این افراد آسانتر بتوانند در جامعه فعالیت کنند . بر اساس این نظرسنجی، ۳/۵۴ درصد از ژاپنی هایی که کمک کردن به معلولان را ضروری می دانند، گفته اند، کمک کردن افراد بیه یکدیگر امر طبیعی است .
- در این نظرسنجی همچنین ۸/۱۷ درصد از دیگر پاسخ دهندگان نیز در زمینه علت ضرورت کمک افراد سالم به معلولان گفته اند که برای هر فردی این احتمال وجود دارد که خود در آینده دچار معلولیت شود . سازمان نخست وزیری ژاپن این نظرسنجی را از سه هزار فرد بالغ در سراسر این کشور به طور مصاحبه حضوری و در طول دو ماه انجام داده است .
- در ژاپن دولت مرکزی و دولت های محلی برای اینکه افراد معلول بتوانند مشارکت بیشتری در جامعه پیدا کنند و گوشه گیر نشوند، تدابیر گوناگونی را اندیشیده اند .
- در این راستا بسیاری شهرداری ها با توجه به سنگینی معلولیت فرد، مراکز شغلی برای افراد معلول ایجاد کرده اند . در ژاپن همچنین برای راحتی معلولان شرکت های مترو و راه آهن موظف شده اند که برای رفاه رفت و آمد معلولان در



ایستگاه های قطار آسانسور و یا دیگر تسهیلات لازم را فراهم کنند. اتوبوس های ژاپن نیز در این راستا به گونه ای طراحی شده اند که فرد معلول با صندلی چرخدار بتواند خودش به تنه ایی سوار اتوبوس شود. از میان بردن پله ها و هموار کردن سطح پیاده روها و مناسب سازی درهای ورودی ساختمان ها برای عبور صندلی چرخدار نیز از دیگر تدابیری است که در ژاپن برای رفاه حال معلولان به اجرا در آمده است. در بسیاری از مسیرها برای آسانتر کردن رفت و آمد افراد نابینا، مسیرهای هدایت کننده به طور برجسته بر روی زمین طراحی شده اند و چراغ های راهنمایی هم برای آگاه کردن آنها از رنگ چراغ به صدا در می آیند. در ژاپن معلولان یا افرادی که بیماری های لاعلاج دارند از امکانات درمانی ویژه ای برخوردار هستند و یارانه های مالی برای آنها در نظر گرفته شده است.

### استفاده از حیوانات اهلی برای التیام روحی معلولان در ژاپن

در ژاپن استفاده از حیوانات اهلی برای التیام روحی به معلولان، سالمندان و بیماران سخت، در حال گسترش است. این گونه روش تسکین و التیام روحی را در ژاپن " انیمال تراپی " و یا حیوان درمانی می گویند. این گونه حرکتها در ژاپن بیشتر از سوی سازمانهایی که اهداف مالی نداشته و به آنها (ان.جی.او) می گویند، با هدف انجام نقشی مفید برای جامعه انجام می شود.

دکتر "ایشین شیگه نو" رییس انجمن رفاهی بیمارستان حیوانات ژاپن که یکی از سازمانهای فعال در زمینه "انیمال تراپی" در ژاپن است، روز سه شنبه به خبرنگار "ایرنا" گفت که این سازمان از حدود ??? سال پیش فعالیت در این زمینه آغـاز کرده است.

شیگه نو افزود: دستاوردهای بدست آمده نشان داده که نقش التیام آور حیوانات اهلی در روحیه افراد معلول و یا سالمندانی که در خانه سالمندان زندگی دارند، بسیار بزرگ است. وی اظهار داشت، افراد معلول و یا سالمندانی که در تاسیسات ویژه نگهداری می شوند، به علت کم بودن فرصت برای حضور در جامعه، دچار فشارهای روحی "استرس" و یا دلتنگی می شوند.

این دکتر ژاپنی گفت: تجربه های انیمال تراپی نشان داده که پس از آنکه معلولی و یا سالمندان با حیوانات اهلی از نزدیک برخورد کردند، روحیه آنها دگرگون شده و از گوشه گیری گریخته و لبخند بر روی لبانشان آشکار شده است. شیگه نو افزود: بگونه اساسی حیواناتی که از آنها برای انیمال تراپی استفاده می شود، باید دارای شروط ویژه ای همچون داشتن سلامتی کامل و دیدن آموزش های لازم باشند.

وی افزود: برای همین پیش از آنکه حیوان اهلی مورد نظر به مراکز معلولان و سالمندان برده شود، آنها مورد آزمایش های ضروری قرار گرفته و پس از قبولی از این آزمایش ها، برای استفاده در انیمال تراپی تایید می شود.

این دکتر ژاپنی گفت: هم اکنون سازمانش در ??? تاسیسات نگهداری معلولان و سالمندان در سراسر ژاپن کار انیمال تراپی را انجام می دهد.

شیگه نو افزود: در این مراکز معلولان و سالمندان بگونه میانگین بین ??? تا ??? بار در سال کار انیمال تراپی انجام می گیرد.

شیگه نو پیش بینی می کند که در آینده استفاده از انیمال تراپی برای التیام روحی معلولان، سالمندان و یا بیماران سخت در ژاپن رو به گسترش رفته و تبدیل به یکی از محورهای روان درمانی شود.

در ژاپن استفاده از سگ های ویژه برای راهنمایی نابینایان هم افزایش یافته است. این سگها در آموزشگاه های حرفه ای آموزشهای ویژه ای را دیده و سپس در اختیار نابینایان قرار می گیرند. فرد نابینا با در دست گرفتن دستگیره ویژه ای که به گردن سگ انداخته شده، می تواند همانند افراد عادی در خیابانها قدم زده و یار قطار شود.

در کشور ژاپن که دارای جمعیت پیر می‌باشد، بسیاری از مردم حیوانات اهلی در محوطه خانه نگهداری می‌کنند . این موضوع برای ژاپنی‌هایی که در خانواده‌های کوچک و کم رفت و آمد زندگی می‌کنند، تنها جنبه سرگرمی نداشته و بلکه جنبه التیام روحی هم دارد .

#### ۴- ترکیه :

##### نگاهی گذرا به وضعیت و موقعیت معلولان در ترکیه

سوم سپتامبر روز جهانی معلولان، بار دیگر مسائل و مشکلات نزدیک به ۸/۵ میلیون معلول ترکیه‌ای را مورد توجه مقامات و افکار عمومی این کشور قرار داده است .

قریب به ۸/۵ میلیون ترکیه‌ای مشمول تعریف رایج از معلول در ترکیه هستند .

بر اساس این تعریف کوچکترین تا وسیع‌ترین نقص عضو بدنی و ناتوانی و کم توانی ذهنی و بیماران روانی در چارچوب عنوان معلول قرار می‌گیرند که عمدتاً با مشکلاتی در زمینه تعلیم و تربیت و استخدام مواجه هستند .

"کوکسال توپتان" رییس مجلس ملی ترکیه امروز دوشنبه با انتشار پیامی به مناسبت روز جهانی معلولان، خاطر نشان کرد به‌رغم برخی بهبودهای نسبی، مشکلات این قشر از جامعه ترکیه در تعلیم و تربیت، امور بهداشتی و استخدام همچنان وجود دارد .

اعلام وجود مشکلاتی از این قبیل از زبان رییس مجلس ملی ترکیه به عنوان یکی از عالی‌ترین مقام‌های رسمی در ترکیه، در عین اذعان به وجود مشکلات جدی برای این قشر جامعه، موجد انتظار تلاش برای رفع آنها هم هست .

"علاالدین دینچر" رییس سندیکای "تعلیم و تربیت" موسوم به "اگیتیم سن" ترکیه هم کمبودهای آموزشی برای معلولان ترکیه را مورد توجه قرار داده و گفت: "شمار مدارس و مراکز آموزشی ویژه معلولان در ترکیه بسیار اندک است و این نقیصه مانع از آموزش بخش بزرگی از معلولان و آماده‌سازی آنان برای ورود به بازار کار می‌شود که نتیجه آن علاوه بر محرومیت بخش بزرگی از نیروی کار معلولان از ورود به بخش‌های مختلف اقتصادی، موجب افتادن بار آنان به دوش خانواده‌هاست"

طبق قوانین کار ترکیه، ادارات دولتی و شرکتهای دولتی و خصوصی ملزم به تخصیص نسبت معینی از استخدام نیروهای جدید به معلولان هستند. ولی به دلیل کمبود امکانات فیزیکی در ادارات و شرکت‌ها، این قانون عملاً به فراموشی سپرده شده و کارفرمایان به جای استخدام معلولان، پرداخت جریمه به وزارت کار و امور اجتماعی را ترجیح می‌دهند .

"اوندر قهوه‌جی" رییس سندیکای بهداشتی "ساغلیک سن" در این مورد می‌گوید :  
"در حالی که ده‌ها هزار معلول در ترکیه در جستجوی کار هستند، سهمیه‌های متعلق به معلولان در بسیاری ادارات و شرکت‌ها خالی است و دولت برای این مساله باید یک سیاست اساسی در پیش گیرد ."  
"جمال‌الدین گورسوی" رییس کنفدراسیون معلولان ترکیه نیز موضوع استخدام معلولان را یک مشکل اساسی برای آنان ارزیابی کرده و می‌گوید: "در ترکیه هشت میلیون و ۴۳۱ هزار و ۹۳۷ معلول وجود دارد. ولی تنها برای بخش بسیار اندکی از این معلولان امکان استخدام فراهم شده است"

به گفته گورسوی، شرکت‌هایی که اقدام به استخدام معلولان می‌کنند، برای فرار از مجازات‌های قانونی، حق بیمه وی را پرداخت کرده و مبلغ بسیار اندکی هم به وی پرداخت می‌کنند.

خانم "اسرا بربر اوغلو" دبیر کل بنیاد معلولان ترکیه نیز در این مورد گفت: "برای شرکت حضور معلولان ترکیه در سطح جامعه فعالیت‌های گسترده‌ای در مشاغل عادی و خدماتی وجود دارد." وی معتقد است در صورت فراهم آمدن امکانات فیزیکی و آموزشی برای معلولان، تفاوتی بین آنان و دیگران به حداقل خواهد رسید.

به گفته خانم بربر اوغلو، کمبود امکانات فیزیکی خصوصاً در زمینه حمل و نقل درون شهری برای معلولان و نیز نبود پیاده‌روهای مناسب برای استفاده معلولان، امکان مشارکت مستقیم آنان با دیگران در امور جامعه را به حداقل رسانده است. وی با اشاره به این که یک برنامه جامع در این زمینه‌ها تدوین نشده، گفت: "بطور مثال شهرداری استانبول ۵۰+۵۰ دستگاه اتوبوس که تجهیزات استفاده برای معلولان را نیز دارد، خریداری کرده است. ولی به دلیل این که ایستگاه‌های ویژه استفاده معلولان آماده نشده، عملاً معلولان نتوانسته‌اند از این امکان استفاده کنند."

خانم دکتر "فردا آیدوغدو" متخصص فیزیوتراپی با یادآوری این که ۱۲/۲۹ درصد کل جمعیت ترکیه را معلولان تشکیل می‌دهند، دو عامل مهم را در افزایش شمار معلولان در هر کشور موثر می‌داند: "یکی از این دو، منشا طبیعی مانند وقوع سیل، زلزله، حریق دارد و عامل دوم عملکرد انسان‌ها مانند جنگ‌افروزی‌ها و حوادث رانندگی است." وی می‌گوید: "معلولیت‌های مادرزادی اکنون قابل پیش‌بینی است. ولی متأسفانه در ترکیه آن گونه که باید، به این موضوع توجه نشده است. به گفته دکتر آیدوغدو در صورت تشخیص زودهنگام معلولیت‌های مادرزادی، یا از تولد چنین نوزادانی می‌توان جلوگیری کرد و یا با تشخیص زودهنگام، امکان مداوا را فراهم آورد."

دکتر آیدوغدو با تأکید بر این که معلولان ترکیه عمدتاً به زندگی در منازل محکوم هستند، گفت: "با فراهم آوردن امکانات فیزیکی در اتوبوس‌ها، پیاده‌رو - ها، ساختمان‌ها، مراکز هنری و فرهنگی می‌باید معلولان را نیز از همه امکاناتی که برای افراد سالم فراهم می‌شود، بهره‌مند کرد."

## ۵ - مصر :

قاهره، شانزدهم مارس (رویترا) - بازدیدکنندگان نابینا به زودی خواهند توانست در نگارخانه ای تازه و خاص قدرت افسون کننده موزه مصر را حس کنند. در این نگارخانه آنان می توانند با لمس کردن گنجینه هایی همچون نقاب و تخت سلطان توتانخامون، احساس شگفتی کنند و آنرا دریابند. این نگارخانه در زمره یکی از چند ابتکار مصری ها است که با هدف بهبود سطح زندگی معلولان و بهره مندی آنها از فرصتهای برابر در قلمرویی وسیع تر از زندگی برپا شده است. از جمله دیگر تلاش مصری ها می توان به یک ارکستر مجلسی اشاره کرد که دختران و زنان کاملاً نابینا اعضای آنند و همچنین یک رستوران بین المللی غذاهای حاضری که تماماً توسط کارکنانی ناشنوا و ناتوان از سخن گفتن اداره می شود.

لسلی لابییدی، مؤلف، در آغاز کتاب خود، «بیش از این سکوت نکنید: افراد دارای نیاز خاص در مصر» به خبرگزاری رویتر گفت که در دهه گذشته، مصر در راه بهبود سطح زندگی معلولان گامهای بسیار بلندی برداشته است. او گفت که مصر در دهه های اخیر پیوسته شرایط را برای معلولان بهبود بخشیده است، با این وجود پیشرفت در این باره به ویژه در چند سال گذشته بسیار چشمگیر بوده است که از جمله می توان به اجرای طرحهای تازه بشمار نظیر راه اندازی

بخش نابینایان موزه مصر اشاره کرد.

در حال حاضر مصر به عنوان بخشی از تلاش رسمی خود برای عادی سازی معلولان کاری کرده تا همه مشاغلی که بیش از پنجاه نفر کارمند دارند از نظر قانونی مکلف باشند تا دست کم پنج درصد از کارکنان خود را از میان افراد معلول استخدام کنند.

مصر از زمان تأسیس فدراسیون ورزش معلولان مصر در سال ۱۹۸۲، موفق شده تا در رقابت های خاص المپیک معلولان جسمانی چند مدال کسب کند.

گرچه در دهه های اخیر انجام چندین طرح به معلولان مصری کمک کرده تا در جامعه ای که رنگ عادی سازی به خود گرفته، نقش ارزنده تری ایفا کنند، اما چند برابر شدن فرصت شرکت در امور فرهنگی و هنری برای معلولان امری تازه است.

در سال ۱۹۹۰ سازمانی غیرانتفاعی را به نام «هنرهای بسیار خاص مصر» برپا کردند تا معلولان بتوانند با افزایش مهارتهای هنری خود هرچه بیشتر در جامعه تلفیق شوند. در این سازمان غیرانتفاعی به پرورش استعدادهایی همچون گروه های نمایشی ناشنویان که بدون کلام هنرنمایی می کنند، می پردازند.

تجربه ای تکان دهنده

ممدوح الدماتی مدیر موزه مصر گفت که یک تجربه تکان هنده الهام بخش او شد تا به طراحی نمایشگاهی ویژه برای نابینایان بپردازد.

او گفت که یک روز در موزه قدم می زدم مردی را دیدم که در حال لمس کردن یک شاهکار باستانی بود. وقتی که نگهبانان موزه از وی خواستند که دست نگه دارد، او به آرامی خود را عقب کشید و راهنمایش به من گفت که: «ببخشید، او نابیناست!» من جا خوردم و دیگر نتوانستم چیزی بگویم. بعد از این اتفاق، به فکر افتادم که «باید برای این آدمها کاری بکنم.» به گفته الدماتی این نگارخانه ویژه، نسخه های بدل ده ها اثر هنری دست ساز که بازدید کنندگان قادر به لمس آنها خواهند بود و نیز، دفترچه راهنما به صورت بریل را در خود جای خواهد داد. الدماتی اضافه کرد که ما نزدیک به ۶۳ نمونه از شاهکارهای هنری را که نمونه بارز آثار دست ساز سنتی مصر است، در اندازه های گوناگون، انتخاب خواهیم کرد که بزرگتر از اندازه طبیعی نخواهند بود. بدین ترتیب، نابینایان خواهند توانست آنها را لمس کنند و در مورد این آثار نظر صائبی پیدا کنند.

چنین ابتکاری به پیروی از کارهایی مشابه توسط موزه های سراسر جهان صورت گرفته است نظیر موزه بریتانیا در لندن. با این وجود، در مصر اولین کوشش از این دست، به شمار می رود. طرح دیگری که در مصر انجام می شود نوید بخش است طرح ایجاد فرصت شغلی برای معلولان در کارهای عادی است. هرچند بعضی از مردم می گویند نشان دادن و حرف زدن با دست خلاف ادب است، اما مشتریانی که به یکی از شعب مرکزی فروشگاه های زنجیره ای KFC آمریکا، عرضه کننده مرغ سوخاری در قاهره، می روند چاره ای جز این ندارند.

نه سال است که این رستوران را کاملاً افراد ناشنوا و ناتوان از سخن گفتن اداره می کنند. آنها برای برقراری ارتباط با مشتریان خود از عکس هایی که روی پیشخوان است و حرکات مسلط سر و دست استفاده می کنند. کارکنان این رستوران می پرسند: «اینجا می خورید» یا «غذا را با خود می برید» و این را با اشاره به میز و اشاره به بیرون رستوران ابراز می کنند. وقتی می خواهند بدانند غذا را با ادویه می خوری یا نه، انگار که دهانشان آتش گرفته باشد، آن را با دست خاموش می کنند. سفارش یک نوشیدنی رژیمی هم تنها به سادگی جمع کردن و فشردن دور کمر میسر می شود.

عبدالحماد مندوح ۳۲ سال دارد از اوان تولد ناشنوا بوده است. او از وقتی که این رستوران باز شده، به عنوان آشپز در آن به کار مشغول بوده است.

او از طریق یک مترجم زبان اشاره به خبرنگار رویتر گفت که خیلی خوب است که به ما فکر کردند و اضافه کرد که پیش از این نجاری کرده و در صنعت دوخت و دوز هم شاغل بوده، اما هیچ وقت این قدر که حالا خوشحال است، خوشحال

نبوده است.

نور و آرزو

جدای از اینها، مصر صاحب چیزی است که آن را نخستین ارکستر تمام- ناپینایی جهان می نامد. ارکستری که با مجموعه گسترده ای از آثار موسیقی کلاسیک غربی و موسیقی شرقی که در کارنامه نوازندگی خود دارد، حیرت شنوندگان اروپایی و مصری را برانگیخته است.

ارکستر «نور و آرزو» (النور و الامل) را ۳۶ دختر و زن ناپینا از ۱۳ تا ۳۷ سال همراهی می کنند. این ارکستر کار خود را در اواخر دهه ۱۹۶۰ با حدود ده دختر آغاز کرد.

نوازندگان در این ارکستر همه قطعات را به خاطر می سپارند چرا که نمی توانند در آن واحد هم بنوازند و هم خط بریل را بخوانند.

سحر، ۳۴ ساله و کسی که دوازده سال در این ارکستر حضور داشته است می گفت که حالا زمان درازی است که نواختن ویولن سل را تمرین می کند و عاشق نواختن است.

سحر با کمک ارکستر نور و آرزو که از مدرسه و یک مرکز آموزش فنی و حرفه ای نیز برخوردار است، خواندن را آموخته و یادگرفته صنایع دستی بسازد. سازمان، این صنایع دستی را به فروش می رساند تا با پول آن به فعالیتهایش ادامه دهد.

او هنگام استراحت پس از یک تمرین تقریباً بی نقص گفت که از این که می تواند در یک کنسرت نوازندگی کند به خود می بالد.

ارکستر مزبور در خلال پانزده سال گذشته با انجام چند مسافرت بین المللی به کشورهای اروپایی و عربی، کانادا، ژاپن و تایلند سرزده و آوای شهرتش را در گوش جهانیان به پژواک درآورده است. این گروه نوازنده مرتب در خانه اپرای قاهره و نیز در مدرسه ها، دانشگاه ها، سفارتخانه ها، تماشاخانه ها و همایش ها به اجرای موسیقی می پردازد. شنوندگانی که به اجرای ماهرانه آنها گوش می سپارند، اغلب به سختی در باورشان می گنجد که آنها ناپینا هستند. اسماء که ۴۲ سال دارد و معلم ارگ است، حدود ۲۵ سال است که به عنوان نوازنده در ارکستر کار می کند. او که از دانشگاه عین الشمس قاهره مدرک ادبیات دارد می گوید که من از زمانی که کلاس دوم ابتدایی را در اینجا آغاز کردم، عاشق ویولن بودم. چیزی که اینجا بیش از هر چیز دوست داشتم موسیقی بود. موسیقی اولین و آخرین دلباختگی من بود.

## ۶ - اروپا :

### ۲۰۰۳؛ سال معلولان در اروپا

حامیان سال معلولان مطمئن هستند که این سال ابزار مهمی است برای ایجاد تعهد در گزارش کمیسیون اروپا و قطعنامه پارلمان اروپا، یعنی حرکت به سوی اروپایی عاری از مانع برای معلولان.

سال جاری را در اروپا سال معلولان نامیده اند. هدف از این کار این است تا در سراسر اتحادیه اروپا حقوق معلولان هرچه بهتر رعایت شود و آنان بیش از پیش در جامعه مشارکت کنند. از این رو، دولت انگلستان متعهد شده است تا برای تأمین بودجه لازم کارهایی که در همین راستا در انگلستان انجام خواهد شد و طرحهایی که صورت خواهد گرفت، یک میلیون پوند پرداخت کند. اما این کارها به واقع برای معلولان چه ثمری در پی خواهد داشت؟

در سال ۱۹۹۳، در سازمان ملل قوانین جامع برابری فرصتها برای معلولان به تصویب رسید. این اقدام راهگشای تأکیدی تازه و مهم بر رعایت حقوق بشر در مورد معلولان شد و الگوی اجتماعی معلولیت را بنیان نهاد.

سال ۲۰۰۳ دهمین سالگرد چنین واقعه مهمی است و از همین رو در اروپا سال ۲۰۰۳ را سال معلولان نام نهاده اند. جدای از این، این نامگذاری فرصتی به دست می دهد تا هم کاری که در دهه گذشته انجام شده پاس داشته شود و هم مبارزه برای تحقق واقعی برابری شکل بگیرد. بنابه گفته لیزلین نماینده لیبرال دمکرات و مخبر کمیسیون اتحادیه اروپا

در زمینه معلولان، هدف این سال اساساً این است که «حقوق معلولان به گونه ای فراگیر رعایت شود و دستاوردهای آنها پاس داشته شود.» اما از آنجا که اتحادیه اروپا و دولت بریتانیا هزینه ای معادل دو میلیون پوند را شخصاً در انگلستان صرف انجام امور معلولان در این زمینه می کنند، شاید هر معلولی در انگلستان بخواهد بداند از این پول چقدر سهم خواهد برد.

معلولان در گام نخست می توانند مستقیماً از همه کارها، اقدامات و ابتکاراتی که در شکلی انبوه و در سطح محلی، بومی یا اتحادیه اروپا انجام خواهد گرفت، بهره ببرند. انگیزه همه اینها هم نشأت گرفته از این سال در اروپاست. از آنجا که دولت انگلستان مسئول ایجاد هماهنگی و تحقق بخشیدن به این سال در انگلستان است، وزارت کار و بازنشستگی (DWP) که پیشتر وزارتخانه های دولتی در امور معلولان است را با واحد معلولان خود همراه کرده تا به کارها سر و سامان دهند. این کار شامل ایجاد کمیته هماهنگ کننده ملی انگلستان نیز می شود. این کمیته شکل یافته از نمایندگان سازمانهای معلولان و دیگر گروه های علاقه مند است. علاوه بر این یک گروه اداره و هدایت کننده از سوی دولت تشکیل شده که اعضای آن را نمایندگان دیگر وزارتخانه های دولتی تشکیل می دهد که از جمله می توان به اداره های تفویض اختیار شده در شهرهای کاردیف، ادینبورگ و بلفاست اشاره کرد.

بین آنها، این گروه ها برنامه های انگلستان را برای این سال تعیین می کنند، موافقت خود را با اجرای آنها اعلام می کنند و برنامه ها را اجرا و نظارت می کنند. به طرحهای محلی بیش از ده هزار پوند و طرحهای منطقه ای - ملی بیش از پنجاه هزار پوند کمک دولتی تعلق می گیرد. جزئیات چگونگی درخواست برای دریافت این کمک ها توسط کمیته هماهنگ کننده ملی و واحد معلولان وزارتخانه کار و بازنشستگی در دسترس قرار می گیرد. گذشته از این، سال معلولان فرصتی را فراهم خواهد کرد تا اطلاعات بسیاری گردآوری و تألیف شود. با این کار همه تصویری دقیقتر از معلولیت در سطح اتحادیه اروپا در اختیار خواهند داشت. این از آن رو است که از زمان ارائه قوانین جامع سازمان ملل و تغییر رسمی الگوی معلولیت از پدیده ای پزشکی به امری اجتماعی، اطلاعات چندانی گردآوری نشده است. امید است آغاز بسیاری از اقدامات تازه در سال معلولان به برخی تبعیض های جسمی، اجتماعی و اداری که نزدیک به ۳۷ میلیون معلول با آن دست به گریبانند، رسیدگی کند.

گرچه مهمتر از همه این است که، حامیان سال معلولان مطمئن هستند که این سال ابزار مهمی است برای ایجاد تعهد در گزارش کمیسیون اروپا و قطعنامه پارلمان اروپا، یعنی «حرکت به سوی اروپایی عاری از مانع برای معلولان.» چنین تعهدی، در پیش گرفتن راهبردی یکپارچه و جامع را در بر خواهد داشت تا بدان وسیله بتوان مانع اجتماعی، معماری و طراحی شهری را که راه را بر دستیابی معلولان به فرصتهای اقتصادی و اجتماعی محدود می کند، از میان برداشت. اگر در نظر بگیرید که اتحادیه اروپا تا چه حد کمر همت بسته تا در تمام کشورهای عضو آموزش فراگیر را رشد و توسعه دهد، اهمیت این امر به واقع روشن خواهد شد.

درواقع، لیزلین امیدوار است که سال معلولان پایه و مایه قدرتمندی را برای ارائه دستوری خالی از تبعیض از سوی اتحادیه اروپا در خصوص معلولان فراهم آورد. چنین دستوری که براساس ماده سیزده معاهده نیس خواهد بود، در همه اروپا سبب ایجاد قانونی خواهد شد که در برخورد با معلولان جانب تساوی را رعایت خواهد کرد و این در حالی است که فردیت آنها را نیز به رسمیت شناخته، به آنها حق خواهد داد که جنبه های متفاوت خود را حفظ کنند. این در خود به مثابه گامی بلند به جلو است، چرا که انگلستان در حال حاضر یکی از چند کشور عضو اتحادیه اروپاست که در قوانین خود هیچ قانونی که در مورد معلولان تبعیض قائل شود، ندارد.

## نگاهی به گزارش جدید سازمان جهانی کار در مورد وضعیت اشتغال معلولان در جهان

### معلولیت جسمی نباید موجب محرومیت از کار شود

سازمان جهانی کار یا ILO در روز جهانی معلولان، گزارش جدیدی منتشر کرد که بر اساس آن، گرچه طی سال های اخیر پیشرفت های چشمگیری در بهبود معاش و شرایط زندگی معلولان حاصل شده است، اما باید تلاش های بیشتری به عمل آید تا بتوان موانع پیش روی این گروه را از میان برداشت و به آنها کمک کرد تا امکان کار و فعالیت داشته و در رشد اقتصاد جهانی جوامع خود سهیم باشند.

عنوان گزارش سازمان جهانی کار "حق کارشایسته برای معلولان" است، و بر این نکته تاکید دارد که اتخاذ اقدامات و تلاش های بیشتر برای رفع موانع پیش روی مشارکت معلولان در جامعه، بسیار حیاتی و حایز اهمیت است، زیرا نه تنها سهم معلولان را در بازارکاری بیشتر می کند و سهم آنها را در فعالیت های اجتماعی افزایش می دهد و منجر به رشد

و توسعه روستایی و نیز اجرای موفق برنامه های کاهش فقر می شود، بلکه در تحقق سریع تر یکی از اهداف توسعه هزاره مؤثر است که همان به نصف رساندن شمار فقیران جهان تا سال ۲۰۱۵ است. بنا بر آمارهای سازمان جهانی کار، نزدیک به ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان معلول هستند یا از هر ۱۰ نفر یک نفر دچار معلولیت است و از این تعداد حدود ۴۷۰ میلیون معلول در سن کار هستند. گرچه بسیاری از این افراد به طور موفق کار می کنند و کاملاً جذب جامعه شده اند، اما معلولان گروهی هستند که معمولاً میزان فقر و بیکاری در میان آنها بیشتر است. گزارش جدید سازمان جهانی کار حاکی است که بین فقر و معلولیت رابطه ای قوی وجود دارد و ۸۰ درصد از کل معلولان جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. همچنین نزدیک به ۴۲۶ معلول زیرخط فقر به سر می برند و غالب اوقات ۱۵ تا ۲۰ درصد از آسیب پذیرترین و حاشیه نشین ترین فقیران کشورهای در حال توسعه، معلولان هستند. "جان سوموایا"، دبیرکل سازمان جهانی کار در این زمینه می گوید: هدف اصلی و عمده این سازمان، فراهم آوردن فرصت کار شایسته برای همه مردم است. وقتی ما حقوق و عزت نفس و کرامت انسانی معلولان را افزایش می دهیم، درحقیقت افراد را توانمند می سازیم و جوامع را غنی و اقتصادها را قدرتمند می کنیم. ما باید تلاش هایمان را افزایش دهیم تا رونق و تغییرات را سرعت بخشیم.

بخش "افزایش مهارت ها و ایجاد قابلیت های اشتغال" ILO، اشاره به پژوهش های بانک جهانی در این زمینه دارد که برآورد کرده است، ضررهای اقتصادی جهانی در اثر محرومیت اجتماعی افراد از بازار کار و عدم حضور در فعالیت های اقتصادی برحسب تولید ناخالص داخلی یا GDP، سالانه بین ۱/۳۷ تا ۱/۹۴ تریلیون دلار است و اضافه می کند که از این رو ایجاد مشاغل شایسته برای افراد معلول از حیث اجتماعی و نیز اقتصادی مهم است. گزارش جدید ILO بر چالش های متعددی تاکید دارد که در محیط های کاری دربرابر معلولان موجود است و از جمله آنها می توان به تمرکز معلولان در مشاغل پایین و دارای دستمزد اندک، مشکلات مرتبط با رفت و آمد به محیط کار، مشکلات مسکن و حمل و نقل، خطر از دست دادن مزایا هنگام شروع کار و تعصب و برخورد ناصحیح سایر کارگران در محیط کار و کارفرما و کل جامعه با آنها اشاره کرد. این گزارش همچنین تاکید دارد که در محیط های کاری در بین معلولان در مقایسه با افراد سالم میزان بیکاری بیشتر و سطح درآمد کمتر است یا اغلب معلولان در مشاغل پایین تر از تخصص خود استخدام می شوند.

گزارش سازمان جهانی کار درعین حال حاکی است این وضعیت نشانه آن نیست که هیچ گونه پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است، طی سال های اخیر رشد چشمگیر تصویب قوانین ملی در کشورهای مختلف درمورد منع تبعیض علیه معلولان دلگرم کننده بوده است، گو این که تصویب قوانین در این حوزه به تنهایی، اجرای آنها را ضمانت نمی کند. تلاش های دائمی سازمان های بین المللی، به خصوص ILO از حیث ارتقای فرصت ها و رفتار برابر در زمینه اشتغال ادامه دارد تا محرومیت اقتصادی و اجتماعی معلولان را به طور زیادی کاهش دهد.

سازمان جهانی کار بر این باور است که کنوانسیون جدید سازمان ملل درمورد حقوق معلولان که در دسامبر ۲۰۰۶ تصویب شد، باعث تشدید اقدامات در سطح کشوری و جهانی می شود و نیروی جدیدی برای از بین بردن تبعیض علیه معلولان به شمار می آید و منجر به افزایش حضور مثبت آنها در بازار کار می شود. اصول این کنوانسیون جدید سازمان ملل مطابق با استانداردهای ILO در این زمینه، از جمله کنوانسیون شماره ۱۵۹ سازمان جهانی کار است که درمورد "رشد توانایی های حرفه ای و شغلی معلولان" است.

تاکنون ۸۰ کشور، کنوانسیون ۱۵۹ را پذیرفته اند. در این کنوانسیون تاکید شده است که باید درمورد اجرای سیاست های ملی مرتبط با رشد توانایی های حرفه ای و شغلی، با سازمان های نماینده کارگران و کارفرمایان و سازمان های نماینده معلولان مشورت شود. در کنوانسیون جدید نیز درمورد مساله مشاوره با گروه های مهم ذی ربط تاکید شده است. به علاوه گزارش ILO حاکی است که اگر دولت ها، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری سیاست های عدم تبعیض علیه معلولان را اجرا کنند، این اقدام در مدیریت معلولیت در محیط های کار نقش مهمی خواهد داشت. در سال ۲۰۰۷، سازمان جهانی کار در روز جهانی معلولان برنامه جدیدی را جهت اعتلای اصول کار شایسته در بین



معلولان، شروع کرد. این سازمان می گوید، امیدوار است چنین اقداماتی کمک کند تا مسائل مؤثر بر معلولان در جهان کار بیشتر درک شود و نیز باعث جلب حمایت های تازه ای از حقوق آنها در محیط کار شود. اما بهتر است به عنوان یک نمونه در پایان اشاره ای به وضعیت معلولان در لهستان داشته باشیم. در این کشور همانند سایر کشورهای اروپایی، میزان بیکاری معلولان در مقایسه با سایر کارگران بسیار زیادتر است. گرچه سهم معلولان در سن کار در لهستان ۱۰ درصد است، اما سهم آنها در بازار کار فقط ۳/۸ درصد است، گو این که نشانه هایی از بهبودی وضعیت معلولان در این منطقه مشاهده می شود که ماجرای "پاول" و کارفرمای او یکی از آنها است. "پاول کامیتسکی" که دچار معلولیت جسمی است، نماینده یک شرکت لهستانی و کار او فروش لوازم آرایشی، تجهیزات آزمایشگاهی، وسایل پزشکی و مواد ضد عفونی کننده است. او می گوید: من به شغل خود واقعاً علاقه مند هستم. تمایلی ندارم در اتاق کوچکی که ۱۰ طبقه زیرزمین واقع شده است خودم را محبوس کنم. دوست دارم با مردم باشم. "پاول" وقتی در خودروی خود رانندگی می کند، همانند سایر نمایندگان فروش به نظر می رسد. برای او و کارفرمایش فرقی ندارد که او از ویلچر استفاده می کند. او می گوید: می توانم سوار اتوبوس و قطار شوم، اما در حال حاضر قادر به رانندگی نیز هستم. مشکلی ندارم. انسان می تواند کارهای بسیاری را با ویلچر هم انجام دهد. فکر می کنم کارهای زیادی را انجام می دهم که افراد کاملاً سالم قادر به انجام آن نیستند.

"ماریوس مارسل" مدیر بازاریابی و ناظر او تایید می کند که "پاول" کارگر خوبی است. مدیرانی همانند او، توانایی افراد معلول در برقراری ارتباط با دیگران را تحسین می کنند.

"مارسل" می گوید: هرگز اجازه نمی دهم "پاول" احساس معلولیت کند. برعکس از او همان انتظاراتی را دارم که از سایر نمایندگان دارم. "پاول" به روی خود نمی آورد، ولی در اعماق قلبش از ما قدردانی می کند که از او چنین خواسته ای داریم و او مجبور است که همان اهداف مورد نظر را محقق کند و همان دستاوردها را برای شرکت داشته باشد. اما جذب کامل افراد معلول همانند "پاول" در جهان کار مساله ای استثنایی است. "دروتا ولمن" مجری مشهور برنامه های تلویزیونی لهستان در فیلم مستندی که برای ILO تهیه شده است، می گوید: ما به ندرت افراد معلول را در خیابان های لهستان می بینیم، همین وضعیت در محیط های کاری نیز صدق می کند. امیدوارم، در این کشور کارفرمایان دیگری نیز این حقیقت را بپذیرند که استخدام افراد معلول، کار با ارزشی است و در موفقیت شرکت های آنها نقش دارد.

بنا بر گزارش اخیر ILO در مورد وضعیت معلولان در لهستان، این کشور بیشترین میزان معلول را در بین کشورهای اروپایی دارد. در این قاره، ۲۳۸ میلیون معلول در سن کار وجود دارد. به عبارت دیگر از هر ۱۰ کارگر در سن کار، یک نفر دچار معلولیت محسوس است. به علاوه، در این کشور میزان حضور معلولان در بازار کار به طور چشمگیری کمتر از سایر کارگران است. در این کشور فقط ۳۸ درصد معلولان در سن کار مشغول فعالیت هستند، در حالی که این میزان در انگلیس ۴۹ درصد و در سوئیس ۵۲ درصد است. وضعیت معلولان در سایر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی یا OECD و کشورهای اروپایی به همین نحو است. "ارتور اریلی" رئیس قبلی بخش توسعه و ترمیم جهان و نویسنده پژوهش "حق کار شایسته برای معلولان" برای ILO، می گوید: آمارهای موجود اشاره به آن دارد که در بازار کار میزان بیکاری معلولان دوبرابر و حتی بیشتر از این میزان در مقایسه با کارگران سالم است. اما این مساله حاکی از آن نیست که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. پژوهش ها نشان می دهد در سراسر جهان همانند لهستان، کارفرمایان در صدد قبول این وضعیت و استخدام معلولان برآمده اند.

"ولمن" در خاتمه می گوید: کارفرمایان به ارزش کارگران معلول و نقش آنها در رشد و توسعه شرکت هایشان پی برده اند. من کاملاً معتقدم که آنها واقعاً شایستگی اشتغال و فعالیت اقتصادی را دارند.

## پایان

## فهرست منابع و مواخذ

• <http://www.america.gov/st/health-persian/۲۰۰۸/April/۲۰۰۸۱۰۱۷۱۷۰۵۱۲SrenoD۰۸۱۵۴۵۶۶.html>

• <http://www.idp.ir>

- [/http://www.shamdani.com](http://www.shamdani.com)
- [/http://www.unic-ir.org](http://www.unic-ir.org)
- <https://www.mypersianforum.com>
- [www.irna.ir/ar/news/view](http://www.irna.ir/ar/news/view)
- <http://www.hamshahrionline.ir/HAMNEWS/۱۳۸۲/۸۲۰۴۱۰/news/malolin.htm>